

توسعه فرهنگی و محیط زیست*

ژرژ تومه

مترجم: محمود شارع پور

چکیده

رقابت در زمینه توسعه اقتصادی، کشورهای جهان را برانگیخت تا از پیشرفت علمی و فنی که بعد از جنگ جهانی دوم در ملل صنعتی حاصل شد، بهره برداری بسیاری کنند، بدون اینکه در فکر حفظ محیط زیست باشند. (موضوعی که هیچ‌گاه مورد بحث و بررسی قرار نگرفت). در راستای شرکت هر چه فعال‌تر در این رقابت، وزارت آموزش و پرورش ملل توسعه یافته و در حال توسعه نیز، خواهان برنامه‌های تحصیلی شدند که هم عمل‌گرایانه و هم مبتنی بر اصول علم اقتصاد باشد. در پی رسیدن به این هدف، تدریس دروس علمی در مقایسه با تدریس دروس فرهنگی، اهمیت بیشتری یافت. پیامدهای این مسأله موجب شده است که امروزه دانش‌آموزان و معلمان، با صرف زمان و علاقه بیشتری به یادگیری و تدریس دروسی چون ریاضیات و علوم می‌پردازند. چون این دروس نسبت به دروسی که به «ناقلمین فرهنگ»^(۱) معروفند (از قبیل تاریخ، جغرافی، نقاشی، موسیقی و...)، در امتحانات ضرایب بیشتری دارند. همچنین مسئولین اجرایی به معلمان دروس علمی، اجازه می‌دهند تا ساعات تدریس‌شان را به صورت دلخواه تعیین کنند و به این ترتیب تسهیلات بیشتری برای آنان فراهم می‌سازند. آمادگی صرف برای امتحانات رسمی، اغلب نتایج خوبی در بر ندارد. اما این آمادگی، به هزینه غفلت از دروسی انجام می‌گیرد که از نظر اهمیت، درجه دوم تلقی می‌شوند. حتی موجب می‌شود نسبت به دروسی که قرار نیست از آنها امتحانی به عمل آید، توجه کمتری اعمال شود و

* این مقاله فصل نخست کتابی است با همین عنوان که توسط معاونت پژوهش و آموزش به زودی منتشر می‌شود.

به آنها صرفاً به عنوان دروسی که ساعات خالی را در برنامهٔ مدرسه پر می‌کنند، نگریسته شود. این جریان، والدین را نیز به دنبال خود می‌کشد. دانش‌آموزان در فعالیت‌های فرهنگی فوق برنامه شرکت نمی‌کنند، مخصوصاً اگر این فعالیت‌ها جزء مواد درسی نباشند. آنان فقط در پی کسب مهارت‌هایی هستند که در امتحانات به کار آنها می‌آید و بنابراین، یادگیری مهارت‌هایی که موجب کسب نمرهٔ بهتری نخواهد شد، بی‌فایده تلقی می‌گردد. طبق یک نظرخواهی از چند نمونه معروف تلویزیون، برنامه‌های فرهنگی تلویزیون، اغلب به نفع برنامه‌های سرگرم‌کننده یا فیلم‌ها و یا سایر فعالیت‌های تفریحی مشابه، مورد بی‌مهری واقع می‌شوند. این امر بیانگر اهمیت کمتری است که خانواده و مدرسه برای رسالت انسان‌گرایانهٔ آموزش، فائل هستند.

آموزش‌های اخلاقی و فکری دانش‌آموزان، درک ارزش‌ها، تشخیص بُعد فرهنگی تدریس و نقش جهانی آموزش و پرورش، همگی موجب شده‌اند که فرهنگ و مدرسه، جایگاه حقیقی خود را در ترویج توسعهٔ فرهنگی باز یابند. موضوعات ذیل می‌توانند تحت عنوان توسعهٔ فرهنگی جای گیرند:



- دسترسی همگان به فرهنگ

- آموزش فرهنگی و هنری

- ترویج خلاقیت

- «تشویق صنایع دستی»^(۲)

- تقویت «هویت فرهنگی»^(۳)

- ترویج مبادلات فرهنگی

- حفظ میراث فرهنگی

پیرایش ایستارهای فرهنگی خاص

اگر هدف از پیشرفت، رسیدن به توسعهٔ فرهنگی است، توسعهٔ فرهنگی نیز مکمل کیفی توسعهٔ عمومی به شمار می‌رود که باید تحت شرایطی که موجبات احترام به محیط زیست و حفظ آن را فراهم می‌سازند، به دست آید.

دسترسی جهانی به فرهنگ

پاپ ژان پل دوم در پیامی به یونسکو در سال ۱۹۸۰ چنین گفت: «اولین و ضروری‌ترین

وظیفه فرهنگ، آموزش است». در گزارش نهایی کنفرانس دولت‌های اروپایی، درباره سیاست‌های فرهنگی در این قاره که در تاریخ ۱۹ الی ۲۸ ژوئن ۱۹۷۲ در هلسینکی برگزار شد، آمده است که:

... [فرهنگ] را نمی‌توان صرفاً مجموعه‌ای از آثار ادبی و علمی دانست که توسط فردی نخبه عرضه یا جمع‌آوری و نگهداری می‌شود و توسط او در دسترس همگان قرار می‌گیرد. فرهنگ چیزی نیست که مردمی که از نظر گذشته و میراث، غنی هستند، به عنوان یک الگو به دیگران عرضه کنند؛ دیگری که تاریخ خودشان نتوانسته است یک چنین الگویی را در اختیار آنان قرار دهد. فرهنگ به دسترسی به آثار هنری و ادبی محدود نمی‌شود، بلکه همزمان با تحصیل دانش، اتخاذ روشی خاص از زندگی و نیاز به ارتباط رانیز دربرمی‌گیرد. فرهنگ، سرزینی نیست که فتح شود یا به تصرف درآید، بلکه روشی است برای رفتار با خود، هموعان خود و طبیعت. فرهنگ نه تنها حوزه‌ای است که هنوز هم باید برای دموکراتیزه کردن آن کوشید، بلکه محیطی است که در آن دموکراسی، عملی می‌شود.

از میان تعاریف بی‌شمار فرهنگ، یادآوری می‌کنیم که فرهنگ نوعی رفتار با طبیعت است. در «کنفرانس جهانی آموزش برای همگان»^(۴) که در ماه مارس ۱۹۹۰ در جامتین تایلند برگزار شد، «اصل آموزش برای همه» و به تبع آن، «اصل فرهنگ برای همه» اعلام شد و مورد تأکید قرار گرفت. تمامی انسان‌ها از کلیه مشاغل، نژادها و مذاهب، مرد و زن، غنی و فقیر، حق دارند و موظفند بیاموزند و با فرهنگ شوند. کارگزاران فعال توسعه فرهنگی، افرادی هستند که می‌توانند آزادانه عمل کنند، بیندیشند، و افکار و احساساتشان را با دیگران در میان بگذارند و در راستای پیشرفت خود و جامعه‌شان، نقشی فعال برعهده بگیرند. از آنجا که نیل به این هدف، منوط به ایجاد یک محیط زیست سالم و متوازن، مبتنی بر کیفیت بهتر زندگی است، بنابراین به یک دموکراسی سیاسی و اجتماعی نیاز داریم که با فراهم ساختن آموزش برای همه شهروندان و تأمین همه تسهیلاتی که با فرهنگ ترشدن را ممکن خواهد ساخت، توسعه فرهنگ را ترویج کند.

- این پیشروی به سوی دموکراسی فرهنگی، توسط چه کسانی صورت خواهد گرفت؟

- اهداف نهایی فرهنگ توسعه کدامند؟

- چه وسایلی جدیدی در اختیار فرهنگ - به معنای وسیع آن - قرار دارد که به کل جوامع این

امکان را می‌دهد تا در فرایند نیل به جهانی بهتر برای زیستن، نقشی کارآمد را ایفا کنند؟

کارگزاران دموکراسی فرهنگی در خدمت محیط زیست

در میان کارگزاران دموکراسی فرهنگی، ما به کمک افرادی آزاد و جوان که درک خاصی از اخلاق محیطی دارند و نیز یاری سازمان‌های غیردولتی نیاز داریم.

افراد آزاد، به علت دسترسی آسان به رسانه‌های گروهی و استفاده از این رسانه‌ها برای بیان افکار و احساسات و گسترش دانش خود و غنی ساختن فرهنگ، بهترین عامل دموکراسی فرهنگی به شمار می‌روند. امروزه، مدارس، و نیز اخبار مکتوب و شفاهی و «روش‌های سمعی، بصری»^(۵) در دسترس همه قرار دارند. اما به طور کلی در همه اعصار، شهروندان در هر سنی که باشند، در سرتاسر زندگی‌شان همواره به دانش خود می‌افزایند و فرهنگ خویش را تحکیم می‌کنند.

نویسنده‌ای تحت عنوان «درباره یک مادر بزرگ» مثال زیر را می‌آورد:

چندین دانشگاه، درهایشان را به روی همه کسانی که خواهان تحصیل هستند باز می‌گذارند. آنان دوره‌ها، سخنرانی‌های علمی و مکان‌هایی را سازمان می‌دهند که پذیرای افراد از تمامی سنین باشند. این افراد در میان رشته‌های گوناگون می‌توانند در رشته‌های ادبیات، باستان‌شناسی، نقاشی، کامپیوتر و زیست‌شناسی تحصیل کنند. در جلسه‌ای متشکل از اولیاء و مربیان یک مدرسه، مادری از معلم دخترش پرسید که چگونه می‌تواند میکروسکوپ کوچکی تهیه کند تا به مناسبت روز تولد دخترش به او هدیه نماید.

دو، سه ماه بعد، معلم با به خاطر آوردن اطلاعاتی که در مورد میکروسکوپ در اختیار آن مادر قرار داده بود، از دختر پرسید آیا میکروسکوپی که مادرش برای او خریده بود برایش جالب بود؟ و دختر جواب داد: گویی من شانس استفاده از آن را داشته‌ام! مادر بزرگم که حالا به دانشگاه می‌رود، همیشه میکروسکوپ مرا در اختیار خود دارد [ژرژ ژومه، ۱۹۹۰].

در شرایطی که وسایل فنی جدید ارتباطی، به طور مساوی در اختیار ساکنین شهرها و روستاها قرار دارد، تعداد بیشتری از مردم از موضوعات فرهنگی موجود آگاهی می‌یابند. این مطلب در آموزش مقدماتی که از طریق تعلیمات اجباری و «آموزش از راه دور»^(۶) میسر می‌شود نیز صادق است.

در مناطقی که تعداد زیادی از جمعیت بی‌سواد هستند، فرهنگ حاکم به صورت شفاهی منتقل می‌شود. مثلاً در تعدادی از جزایر اقیانوس آرام و در بعضی از مناطق آمازون، بومیان با

ترک والدین، همسران و فرزندانشان در روستاها، از قسمت داخلی کشورشان به طرف ساحل حرکت می‌کنند. گاهی بعضی از این ساحل‌نشینان برای شادی و سرگرمی جهانگردان، رقص‌های مذهبی و سنن اجدادی خود را در اماکن عمومی اجرا می‌کنند و جهانگردان، تشکر خود را از این کارهای ساحل‌نشینان، با دادن چند سکه نشان می‌دهند.

خوشبختانه، بعضی از فعالیت‌های فرهنگی و سنن شفاهی آنان، به این ترتیب زنده و جاودان می‌مانند. ولی به علت افزایش مهاجرت‌های داخلی در این مناطق، فرهنگ شفاهی به تدریج در حال نابود شدن است، چون در اثر مهاجرت، اغلب تماس بین نسل قدیم و نسل جدید قطع می‌شود.

در کشورهایی که در آنها سرکوب پلیس مانع از «آزادی بیان»^(۷) است و شعائر مذهبی و رفتار اجتماعی از سوی دولت تحمیل می‌شوند، نوع خاصی از جریان فرهنگی حاکمیت می‌یابد که هدایت آن توسط کسانی که زمام قدرت را در دست دارند، صورت می‌گیرد. براساس این جریان، به طور مؤکد از یک ایدئولوژی خاص تبعیت می‌شود. تبادل با سایر کشورها کاهش می‌یابد. شهروندان فقط آنچه را می‌دانند که به آنها گفته می‌شود. مختار نبودن در انتخاب درست از نادرست، گزینش برنامه‌های فرهنگی متعدد، برگزیدن مدرسهٔ موردنظر و یا دنبال کردن رشته‌های مورد علاقه، فقط بخشی از مشکلاتی است که علی‌رغم وجود مبارزهٔ جهانی برای تحقق حق انتخاب فرهنگ و تمدن و انجام شعائر مذهبی و یا پیروی از اعتقادات شخصی، متأسفانه هنوز وجود دارند.

بیشترین مسؤلیت توسعهٔ فرهنگی بر دوش جوانان است: جوانان در مساعی خود انگیزه‌های زیادی برای پویا ساختن زندگی دارند، که از میان آنها می‌توان به کوشش برای زندگی در جهانی بهتر - خواه در شهر یا روستا - اشاره کرد. باید از احساسات شورانگیز و درک جوانان از زیبایی و پاکی طبیعت استفاده نمود. به این منظور می‌توان آنها را در فعالیت‌های محیطی شرکت داد و از موفقیت آنها در این زمینه بهره جست. جوانان نسبت به تعادل بین بشر و کرهٔ زمین، و نیز تعادل بین بشر و محیط فیزیکی - که آیندهٔ نوع بشر تا اندازهٔ زیادی به آن وابسته است - بسیار حساس هستند. فهم عقلانی از علوم محیطی فقط در صورتی به دست می‌آید که آنان در مورد همهٔ کشفیات فنی و زیستی مربوط به بدن خود، بیماری‌های آن، توازن فیزیولوژی و روانی آن، تولید مثل و غیره؛ و نیز تعادل بین اکوسیستم‌ها، دارای اطلاعات کافی باشند.

بنابراین به نظر می‌رسد، اولین قدم که در راستای برانگیختن هشیارانه فرد و جامعه انسانی باید برداشته شود، جمع‌آوری اطلاعات است. در کتاب راهنمایی عملی برای دهه جهانی توسعه فرهنگی که در سال ۱۹۸۷ میلادی توسط یونسکو منتشر شده است، چنین می‌خوانیم:

«توسعه شهری، صنعتی، آلودگی، خصومت‌های مسلحانه یا گسترش بدون برنامه جهانگردی، تهدید فزاینده‌ای برای میراث فرهنگی - اعم از آثار هنری و معماری و یا مکان‌های فرهنگی و طبیعی - به شمار می‌روند. ریشه اقدامات دفاعی از میراث فرهنگی نوع بشر، مانند اقداماتی که برای ممنوعیت معاملات قاچاق و خلاف قانون آثار هنری و گنجینه‌های معماری طراحی شده‌اند، در هشیاری گسترده در مورد مسائل روز نهفته است. به این دلیل است که آموزش و اطلاعات در بسیج عقاید عمومی، نقش قاطعی را ایفا می‌کنند. به علاوه در صورت امکان، باید همه منابع فنی سنتی و تکنولوژی‌های جدید در جهت حفظ این میراث که در معرض خطر است و نیز حیات دوباره بخشیدن به آن، به کار گرفته شود» [با اندکی اصلاح و تغییر].

در این صورت، جوانان به طور فزاینده‌ای احساس مسؤلیت خواهند کرد. چون فرهیخته می‌شوند و در مورد نقشی که باید در حفظ تعادل بین اکوسیستم‌ها و در حفظ میراث فرهنگی و هنری ایفا کنند، آگاهی بیشتری می‌یابند. (مثلاً انتقال دانش دوره دبیرستان، باید توأم با اتخاذ یک موضع اخلاقی در مورد مطالبی باشد که منتقل می‌شود).

ورود جوانان به فرایند توسعه فرهنگی باید از ماهیتی اختیاری برخوردار باشد. سازمان‌های غیر دولتی بر این عقیده‌اند که علاوه بر زمینه‌های علمی مورد علاقه، باید به نقش فرهنگی نیز توجه زیادی بنمایند. از جمله این سازمان‌ها می‌توان از «سازمان جهانی جنبش پیشاهنگی»^(۸)، «پیمان انجمن‌های صلیب سرخ و هلال احمر»^(۹) «فدراسیون بین‌المللی جوانان برای مطالعات محیطی و حفظ منابع طبیعی»^(۱۰) و سایر جنبش‌های دارای ماهیت فرهنگی نام برد. لازم است اشاره شود که تعداد این گونه جنبش‌ها و سازمان‌ها بالغ بر ۷۰ است [یونسکو، ۱۹۸۵]. مشارکت‌های اختیاری در فعالیت‌های مربوط به حفظ محیط زیست، میدان عمل و کارآیی آنها را افزایش می‌دهد. به این ترتیب، سازمان‌های غیر دولتی، بنیادهای اختیاری و بسیاری از سازمان‌های حمایت‌کننده، می‌توانند تأمین‌کننده بخشی از هزینه‌های مربوط به فعالیت‌های توسعه فرهنگی و محیط زیست باشند. فعالیت‌هایی از قبیل تعمیم علم، ترجمه آثار

مورد علاقهٔ عموم یا همکاری با یونسکو برای پیشبرد پروژه‌هایی از قبیل پروژه‌های ذیل:

الف) جنگل‌داری و فرهنگ (همکاری بین فائو و یونسکو)، که هدف آن تأیید اهمیت ارزش‌های اجتماعی فرهنگی ادارهٔ جنگل‌ها، برای جوامع آسیایی است.

ب) «کمک به صنعت‌گرانی»^(۱۱) که در وضع نامطلوبی به سر می‌برند (پروژهٔ مشترک بین یونسکو و سازمان‌های تولیدی غیر انتفاعی در غنا و نیپال) با هدف بهبود مهارت‌های بازاریابی صنعت‌گرانی که در وضع نامطلوبی قرار دارند و می‌خواهند که سنت‌های کیفی خود را حفظ کرده و در عین حال در بازار جهانی دوام بیاورند.

ج) حفظ فنون و دانش سنتی و استفادهٔ مجدد از آنها در تولید ظروف سفالی (به عنوان مثال همکاری بین یونسکو و دو سازمان فرانسوی که یکی از آنها توسط وزارت فرهنگ تأمین اعتبار می‌شود).

در میان فعالیت‌هایی که در سایر نقاط انجام شده‌اند، می‌توانیم موارد ذیل را بیان کنیم:

- تحقیقات پایه‌ای در حمایت از پیشرفت دانش و اندیشه.
- جمع‌آوری و انتشار اطلاعات به منظور برانگیختن علاقهٔ عامهٔ مردم.
- همکاری فرهنگی بین‌المللی.

اهداف حفظ محیط زیست

اهداف حفظ محیط زیست برای بعد فرهنگی سیاست توسعه عمدتاً عبارتند از: محیط شهری، محیط طبیعی و زندگی اقتصادی اجتماعی.

محیط شهری چارچوبی برای زندگی فرهنگی است: در تمام برنامه‌ریزی‌های مرتبط با محیط شهر و بهبود شرایط زندگی، محافظت از واحدهای معماری و آثار باستانی باید در اولویت قرار گیرد. خانه‌های قدیمی که معمولاً از سنگ ساخته شده‌اند، از خانه‌های سیمانی جدید، سقف‌های بلندتری دارند. بام‌های سفالی یا سنگی آنها را قرنیس در بر گرفته است. شکل ایوان‌ها، راهروها، درب‌های اصلی، پنجره‌ها و نظایر آن، آنها را از ساختمان‌های جدید متمایز می‌سازد. این خانه‌های قدیمی به تعمیر مداوم نیاز دارند، گرم کردن آنها گران و در بسیاری از موارد فاقد تسهیلاتی است که می‌توان در آپارتمان‌های جدید یافت. عوامل مذکور، از جمله دلایل تخریب آنها به منظور استفادهٔ سودآورتر از زمین‌های بزرگی است که این قبیل ساختمان‌ها در آنها احداث

شده‌اند. در شرایطی که هیچ قانونی برای حفاظت از چنین ساختمان‌هایی وجود ندارد، اخلاق محیطی باید فراخوانده شود؛ به این معنی که از تخریب آنها توسط مالکانشان ممانعت به عمل آید. برای بهبود بخشیدن به استانداردهای زندگی اقتصادی و اجتماعی یک مکان خاص، باید هر پروژه‌ای با توجه به حفظ شرایط فرهنگی، مورد مطالعه قرار بگیرد. مثلاً، اگر برای احداث جاده جدیدی یا تعریض خیابانی، لازم است که ساختمانی تاریخی تخریب شود، بهتر است از آن پروژه، صرف‌نظر شود و بنای قدیمی حفظ گردد.

حفظ محیط طبیعی، تأسیسات عمومی و مدیریت منابع طبیعی، همگی فعالیت‌هایی هستند که در قلمرو سیاست فرهنگی جای می‌گیرند: سیاست فرهنگی در صدد است همه منابع طبیعی را به نحوی اداره کند که بیشترین نفع را برای نوع بشر در بر داشته باشد. صرف‌نظر از منابع معدنی که استخراج آنها به توسعه صنعتی کشور کمک می‌کند و یکی از عوامل سیاست اقتصادی کشور است، روستاها، جنگل‌ها، منابع آب شیرین، آب دریا و خاک، همه از عناصر محیط به شمار می‌روند و نابودی و تخریب آنها بر زندگی اقتصادی و فرهنگی اثری منفی دارد. تمام مسائل مربوط به توسعه فرهنگی، روستایی و سایر جوانب توسعه و محیط، به گونه‌ای با منابع آب شیرین، دریا، ماهی‌گیری و مسائل فرهنگی مربوط به آن، فرسایش خاک و سیستم‌های مختلف تولید در ارتباط است. رابطه بین مناظر طبیعی، کشاورزی و فرهنگ در جزوه‌ای که یونسکو در ژوئیه ۱۹۹۱ منتشر کرده، نشان داده شده است. در این جزوه تحت عنوان «مناظر طبیعی اروپا در معرض خطر هستند»، چنین می‌خوانیم:

«کشاورزی متمرکز، چه بر سر مناظر طبیعی اروپا می‌آورد؟ دیگر اثری از سرودن چکامه در توصیف زندگی روستایی نیست. مزارع کوچک، چمنزارها و جنگل‌ها در شرف نابودی است و جای آنها را مزارع مسطح بی‌انتهای، با صدها کیلومتر از یک محصول می‌گیرد. گونه‌های حیوانات و گیاهان در حال نابود شدن هستند، چون مکان‌های طبیعی آنها نابود یا آلوده می‌شود.

در سراسر قاره، خاک‌های مناطق روستایی فرسایش می‌یابند و باران‌های اسیدی، کودهای شیمیایی و «فلزات سنگین»،^(۱۲) خاک و آب را آلوده می‌سازند. به طور همزمان، مناطق روستایی نیز از سکنه خالی می‌شوند، زیرا مردم به شهرها مهاجرت می‌کنند....

محققین معتقدند که برای فهم دلایل این «فرسایش محیطی»^(۱۳) باید دلایل اساسی این تحولات را دانست، که بی‌شک شامل نیروهای محیطی و اجتماعی - اقتصادی می‌شود.

بازارهای کشاورزی و سیاست‌های متناقضی که به وسیلهٔ ادارات مناطق، دولت‌ها و جامعهٔ اروپا در زمینهٔ کشاورزی اجرا می‌شوند و نیز تکنولوژی‌ها و روش‌های مورد استفاده در کشاورزی، همه بر محیط مناطق روستایی تأثیر می‌گذارند.

به این ترتیب، توسعهٔ کامل انسان، روزی حاصل خواهد شد که محیط طبیعی و محیط فرهنگی او با هم مرتبط باشند و به شدت حفظ شوند.

حیات اجتماعی - اقتصادی پیرامون انسان و چارچوب فرهنگی آن، محیط و فرهنگ را به گونه‌ای به هم پیوند می‌زند که در قبال دشمنان مشابهی از قبیل فقر، بی‌سوادی، بیماری و تبعات آنها یعنی قحطی، از خودبیگانگی، ارتکاب جنایت، میل به تحکّم و غیره، آسیب‌پذیر می‌شوند. در جنگ علیه این دشمنان گاه پیشرفت محیطی و فرهنگی متوقف می‌شود و یا حتی سیر قهقراپی طی می‌کند. بنابراین برای جبران این خسارت‌ها، تمایل پیدا می‌کنیم که به ضرر توسعهٔ فرهنگی، در جهت توسعهٔ اجتماعی - اقتصادی حرکت کنیم. متأسفانه، خسارت به محیط و فرهنگ اجتناب‌ناپذیر است. در فرهنگ توسعه، هدف این است که همهٔ دشمنان مغلوب شوند بدون اینکه به محیط عمومی و مخصوصاً به محیط فرهنگی آسیبی وارد شود. نشریهٔ منابع یونسکو (شماره ۲۵، آوریل ۱۹۹۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان «دیپلماتی در خدمت فرهنگ»، با اشاره به گفتهٔ «ریموند چارلز» - سفیر موریتانی در بروکسل - در زمینهٔ «همکاری بین جامعهٔ اقتصادی اروپا»^(۱۴) و جهان سوم، از بعد فرهنگی می‌نویسد:

«آن دسته از نمایندگان کشورهای جهان سوم که در غرب تحصیل کرده بودند، رابطهٔ بین فرهنگ و توسعه را درک نمی‌کردند. آنان در آنجا بودند تا از منابع کشورهاشان دفاع کنند - نه اینکه فرهنگ‌هایی را احیاء نمایند که آنها را به گذشته منتسب می‌سازد - و نگران بودند که تأمین مالی احیاء این فرهنگ‌ها، بر همکاری اقتصادی، اثرات معکوسی بگذارد».

سفیر نامبرده، سخنان یکی از همکارانش را به یاد می‌آورد که روزی به او گفته بود، ما که نه کلیسای جامع داریم و نه سمفونی، چه نقشی در همکاری فرهنگی می‌توانیم داشته باشیم؟ بعضی از جوامع به این دلیل که در توسعه تکنولوژی موجود نقش عمده‌ای را ایفا نکرده‌اند، احساس می‌کنند که در حاشیه قرار گرفته‌اند و معتقدند هویت فرهنگی خاص آنها فراموش یا نادیده گرفته شده است. «ریموند چارلز» می‌گوید: «اما بدون فرهنگ، هیچ توسعه‌ای نمی‌تواند وجود داشته باشد».

وسایل موجود در اختیار فرهنگ

جدای از وسایل جدیدی که از طریق تکنولوژی نوین فراهم آمده است و دسترسی به میراث فرهنگی و هنری را آسان می‌کند، وسایل دیگری در اختیار فرهنگ قرار دارد که همه شهروندان را قادر می‌سازد تا در بهبود کیفیت زندگی، ایفای نقش کنند. اولین و مهمترین این وسایل عبارت است از میل به رفع تمامی اختلافات از طریق مذاکره و توافق متقابل.

ارزش‌های فرهنگی و عقاید مسالمت‌آمیز در قیاس با تمایل به جنگ، باید از اهمیت بیشتری برخوردار باشند. اگر مبادلات فرهنگی حمایت و تشویق شوند، مردم می‌آموزند که یکدیگر را درک کنند و به هم احترام بگذارند. در آن صورت، اعمال خشونت‌آمیز و اثرات مضر جنگ کنار گذاشته می‌شود و از محیط به معنای واقعی آن، محافظت خواهد شد. وسایلی را که مردم را به هم نزدیک‌تر می‌کند، می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

الف) تبادل افکار برنامه‌های هنری سمعی - بصری، کتاب‌ها، روزنامه‌ها، نشریات ادواری و غیره. (ب) تبادل هنرمندان، معلمین و متخصصین.

در حال حاضر تبادل ایده‌ها از طریق فیلم‌سازی، برگزاری جشنواره‌های موسیقی، اجرای برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، برپایی نمایشگاه‌های هنر معاصر یا نمایشگاه آثار جمع‌آوری شده از موزه‌ها و انتشار کتاب‌های درسی (که در آنها بر احترام به فرهنگ‌های سایر ملل تأکید می‌شود)، صورت می‌گیرد.

تبادل افراد موجب همکاری بهتر در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد شد. متخصصین زمینه‌های مختلف فرهنگ و محیط، تجربیاتشان را با یکدیگر مبادله می‌کنند و لذا اجرای پروژه‌های حفظ محیط زیست را که مورد توجه کشورهای آنهاست، تسهیل می‌کنند.

آموزش هنری و فرهنگی

آموزش هنری شامل موسیقی و هنر، به تعبیر عام و ادبی آن می‌شود. اصالت یک ملت، منش خاص یک جامعه و همه آنچه که فرد و جامعه از طریق تربیت فرهنگی کسب می‌کنند، از عوامل مؤثر در آموزش فرهنگی و همچنین در تاریخ ملل و تکامل جوامع و رسوم و قوانین آنها به شمار می‌روند. هدف این آموزش، تثبیت یک فرهنگ محیطی صحیح است که اهداف آن نیز از طریق سیاست‌های حفظ محیط زیست تعیین می‌شود. تاریخ هنر، آثار هنری یا

شیوه هنری یک دوره خاص، یا وسایل گوناگون بیان احساسات، موضوعاتی هستند که می توان آنها را در برنامه های کاری مدارس گنجانند. به علاوه می توانیم سبک های مختلف ادبی، اشعار متداول، تاریخ جریانات اصلی هنری، توصیف شاهکارهای اصیل، میراث فرهنگی جهان و سایر موضوعات مشابه را نیز به آن بیفزاییم.

عناصر ذی نفع

محیط فرهنگی و عمومی به صورت غیر مستقیم، از نگرش مثبتی که کلاس های هنری در دانش آموزان القا می کنند، بهره مند می شود. زمانی که شخصی از آموختن تاریخ هنر لذت می برد و از آثار ادبی و هنری تقدیر می کند و نهایتاً از نظر فکری، حافظ سیاست های حفظ محیط زیست می شود، محیط اجتماعی نیز تا اندازه زیادی از این نوع آموزش منتفع می گردد. مثال زیر این موضوع را نشان می دهد:

دانشجویان هنر که شاهد سرکوبی شدید جوانان نواحی فقیرنشین کیمپ تاون در آفریقای جنوبی بودند، داوطلب شدند در مدارس مختلفی که در آنها شیوه بیان هنری تدریس نمی شد، کلاس هایی تشکیل دهند و در آن کلاس ها به تدریس این درس پردازند. نشانه های موفقیت پدیدار شد و این ایده تسری یافت و بسیاری از دانش آموزان توانستند از این کلاس ها بهره مند شوند. بسیاری از دانش آموزان به وسیله نمایش های عروسکی، «نمایش های موسیقی»^(۱۵)، تئاتر و کلاس های نقاشی و طراحی و سایر اشکال هنر پلاستیکی، از ارتکاب اعمال خلاف، نجات یافتند. اما مهمتر از همه اینها این واقعیت بود که مدیران، معلمان، والدین، بزرگسالان و بچه ها از توسعه فرهنگی که اکنون در دسترس کودکان قرار داشت، آگاه شدند. «محیط پیرامونی»^(۱۶) آنها، ارزش را احساس کرد. چون مستضعفین موفق شدند بر تنفر و غضب حاکم بر خود فائق آیند. این بچه ها تا پیش از این، از فرهنگی که وقتی آزادانه در دسترس باشد، کاملاً نافع و برای تعادل اجتماعی محیط و سلامت روانی هر فردی ضروری است، محروم بودند. اگر آنها احساس کنند که برای بارور ساختن آنها تلاشی صورت می گیرد و اگر بدانند که می توانند آزادانه استعدادهای خلاق خود را بروز دهند، با بالابردن استاندارد زندگی خود و کنترل خشونت که در معرض آن قرار دارند، به تحول جامعه خود کمک خواهند کرد.

بنابراین بهره مندان مستقیم چنین آموزشی، عبارتند از: والدین، معلمان و مسؤولین (در تمام

سطوح) و دانش‌آموزان (در تمام سنین). آموزش هنری هم در سطوح فردی و هم در سطوح اجتماعی برای همه نافع است.

اهداف

اهداف این روش آموزش، بی‌شمار است و از افزایش معلومات دانش‌آموز تا توسعه فرهنگ او را شامل می‌شود. بی‌شک، یک شهروند تحصیل کرده به کسانی که در صدد حفظ محیط زیست هستند، خواهد پیوست. تدریس عمومی در تمامی سطوح، باید شامل ابعاد اخلاقی زیبایی‌شناسی باشد. همواره معلومات دانش‌آموز را افزایش دهد و او را از ارزش‌گنجینه‌ها و مکان‌های فرهنگی دنیا آگاه سازد و زمینه فرهنگی ناب‌ی را در اختیار او قرار دهد. «مارسل لاندوسکی» - هنرمند معروف - تأکید کرد که «گرچه قوانین اقتصادی و عوامل مادی به علت اهمیت حیاتی‌شان اجتناب‌ناپذیر هستند ... عقلایی است که به آموزش زیبایی‌شناسی نژاد بشری توجه شود». شهروندان در تمامی طبقات جامعه با پرورش سلیقه‌های زیباشناسی خود و عشق به زیبایی، از حافظین با حمیت محیط طبیعی و اموال آن خواهند شد. در این صورت به آسانی می‌توان به افراد جوان پیشنهاد کرد که قسمتی از وقت آزادشان را صرف فعالیت‌های فرهنگی کنند. زیرا این کار بر آموزش رسمی که می‌بینند نیز، تأثیری چشم‌گیر خواهد داشت. هدف از آموزش رسمی در سطوح ابتدایی، دبیرستان و بعد از دبیرستان، علاوه بر موفق ساختن دانش‌آموز در امتحانات و یاری دادن به او در کسب مدرک، بهبود سطح فرهنگی است. هر یک از رشته‌های مختلفی که تدریس می‌شود، در پرورش فرهنگی شخص و آموزش اخلاق محیطی، نقش ویژه‌ای دارد. ما با کنار گذاشتن آموزش ابتدایی، در راستای سه خط اصلی ذیل، به نقش این رشته‌ها در آموزش دبیرستانی و عالی نظری اجمالی می‌افکنیم: علوم انسانی (ادبیات، حقوق، اقتصاد و غیره)، علوم دقیقه (ریاضیات، فیزیک، زیست‌شناسی و غیره)، و علوم عملی یا کاربردی (مهندسی، پلی‌تکنیک، پزشکی، داروسازی و غیره). ممکن است تخصص بعد از دوران دبیرستان، خلاف جریان فرهنگ عمومی به نظر برسد، اما این در واقع بُعد دیگری از ابعاد شخصیتی فرد با فرهنگ و واجد صلاحیت است که باید شکل بگیرد. پیش از پرداختن به نقش سه خط مذکور، روند پرورش متخصصین شرح داده می‌شود.

از سطح ابتدایی تا سطح دانشگاه، تدریس هر درس عموماً دو هدف را دنبال می‌کند:

الف) کسب دانش مورد نیاز در یک رشته خاص.

ب) تحکیم شخصیت یادگیرنده از طریق آموزش عمومی مناسب.

در مورد اول، هدف از تدریس، آموزش است. برای بعضی از معلمان، آموزش فی نفسه خود یک هدف است و انجام فعالیت‌هایی که این اهداف را دنبال نمی‌کنند، اتلاف وقت تلقی می‌شود. در مورد دوم برای بعضی از افراد، فرهنگ یک نوع روش کسب دانش است و می‌تواند نه ادبی باشد نه علمی. کسانی که شکل خاصی از آموزش را انتخاب می‌کنند نیز، باید برای کامل کردن فرهنگشان، خود را در معرض شکل دیگری از آموزش قرار دهند. به عنوان مثال، دانشجویان رشته‌های علوم، فرهنگ خود را با خواندن آثار ادبی، کتاب‌هایی در زمینه هنر، سیاست، تاریخ، موضوعات اجتماعی، اقتصاد و غیره کامل می‌کنند. دانشجویان هنر، فرهنگشان را در زمینه‌های مختلف علمی و به خصوص در زمینه علوم محیطی گسترش می‌دهند. وقتی که شهروندان درباره جهان اطراف خود چیزهای بیشتری یاد می‌گیرند و هر یک از آنها در زمینه فعالیت‌های مورد نظر، بخشی از یک فرهنگ جهانی می‌شوند و هنگامی که شهرنشینان فرهنگ خود را غنی می‌سازند، آنگاه نسبت به لزوم حفظ محیط اجتماعی و طبیعی هشیارتر می‌شوند.

تخصص و فرهنگ

پذیرش این موضوع که یک حقوق‌دان، روان‌شناس، مورخ، هنرمند یا یک ادیب یا حتی یک شاعر، از درک کشفیات بزرگ علمی که بر کیفیت زندگی تأثیر می‌گذارند، عاجز باشد و نتواند خود را با آنها هم سطح کند، همیشه مشکل بوده است. این نکته در مورد سایر اشخاص نیز صادق است. از جمله: مهندس، معمار، متخصص الکترونیک، فضاورد، دانشمند علوم کامپیوتر، کشاورز، پزشک، داروساز یا دانشمندی که نمی‌تواند آثار ادبی را درک کند، یا از فلان مکتب خاص موسیقی یا نقاشی اطلاعی ندارد و یا قادر نیست تکامل روندهای اقتصادی را پی‌گیری کند. در حالی که همه متخصصین - خواه در علوم انسانی، علوم پایه یا تکنولوژی - ملزم هستند برای متعادل ساختن فرهنگ خود با کشفیات بزرگ علمی، تدبیری بیندیشند. شخص متخصص برای فرار از حبس شدن در برج عاج خود و بازیابی آزادی فکری لازم برای متعادل ساختن فرهنگ و تخصص خود، باید به طور مداوم با شرکت در کنفرانس‌ها و سخنرانی‌های

علمی و با مطالعه روش‌های دیگر سعی کند فرهنگش را گسترده‌تر سازد. در دانشگاه در کنار دروس علمی و تخصصی، در زمینه فرهنگ عمومی نیز دروسی ارائه می‌شود. مثلاً پزشکان یا مهندسين آینده، در صورت تمایل، می‌توانند در دوره‌های مربوط به تاریخ، هنر، جامعه‌شناسی، آمار، روان‌شناسی یا حقوق شرکت کنند. اخلاق شغلی و علوم مربوط به محیط، دو موضوع «بین رشته‌ای»^(۱۷) هستند که عموم مردم از جمله بسیاری از متخصصین آینده علوم انسانی و متخصصین رده بالای تکنولوژی، می‌توانند از آنها استفاده کنند.

شرایط لازم

تا جایی که به رشد کامل شخصیت مربوط می‌شود، آموزش هنری و فرهنگی، این امکان را برای هر فرد فراهم می‌سازد که برای آموختن درباره میراث ملی و جهانی، فرصتی مساوی با سایر افراد داشته باشد. اما، این امر تنها برای حفظ ثروت باستانی هنری و فرهنگی کافی است. شهروندانی که چنین آموزش‌هایی را می‌بینند، متقاعد می‌شوند که لازم است با سایر جوامع، مبادلات فرهنگی برقرار شود، و به این منظور، از تمامی وسایل موجود برای برقراری انواع مختلف روابطی که جوامع را به هم نزدیک‌تر خواهند ساخت، بهره می‌گیرند. لوازم اصلی چنین آموزشی عبارتند از: آزادی انتخاب رشته که به رشد فرهنگی شخص کمک خواهد کرد، تمایل به برقراری ارتباط با سایر فرهنگ‌ها، و درک اینکه فعالیت‌های فرهنگی می‌توانند فعالیت‌های اوقات فراغت نیز به شمار آیند.

دانشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- شخص متخصص، خارج از آموزش رسمی، می‌تواند در صورت تمایل، با شرکت در کنسرت‌های موسیقی، نمایشنامه‌های تئاتر و آموزشگاه‌ها و یا فقط با خواندن یک کتاب، نشریه یا روزنامه و گوش دادن به رادیو یا تماشای تلویزیون، فرهنگ خود را بهبود بخشد. اما او در گزینش هر یک از این موارد آزاد است و می‌تواند وسایل تکمیل‌کننده آموزش فرهنگی را خود انتخاب کند و از اینکه همیشه آماده یادگرفتن مطلبی جدید است، احساس خشنودی می‌کند.

- این خشنودی، خصوصاً زمانی که او از فرهنگ‌ها، زبان‌ها، تمدن‌ها، و رسوم سایر ملل، مطلع می‌شود، افزایش می‌یابد. از آنجا که اکثر این فعالیت‌ها در اوقات فراغت انجام می‌شوند، می‌توان خوشی او را فقط با ارائه یک فیلم خوب، یک کتاب‌گیرا و یا یک کنسرت جذاب، افزایش داد.

می‌توان ملاحظه کرد که فرهنگ شامل ساختارها، رسوم و شرایط زندگی یک جامعه و

الگوهای «ابراز عقاید خود»^(۱۸) و «خودسازی»^(۱۹) ناشی از آن است، و فرهنگ را به معنای سنتی و محدود آن و حتی در شکل جدید و وسیع تر آن نمی‌توان به صورت یک حوزه فعالیت برای یک گروه کوچک نخبه تحصیل کرده و خلاق در نظر گرفت [کنفرانس بین‌المللی، هلسینکی، ۱۹۷۲]. بنابراین باید خلاقیت‌ها را در سطح فردی تشویق کنیم.

تشویق خلاقیت

تشویق خلاقیت در سه حوزه صورت می‌گیرد که همه این حوزه‌ها به حفظ محیط زیست توجه دارند: تشویق هنرمندان، آموزش هنرمندان، خلاقیت و تکنولوژی نوین.

تشویق هنرمندان

اندیشه حمایت از شعرا، نقاشان و مجسمه‌سازان، اندیشه جدیدی نیست. در تاریخ به اسامی تنی چند از شاهان، شاهزادگان و سایر بزرگانی برمی‌خوریم که حامی هنرمندانی بوده‌اند که بعدها دربارهای آنان را زبانزد همگان ساخته‌اند. تعداد زیادی از شعرا و موسیقی‌دانان، وابسته به دربار خلفای اموی و عباسی بودند. «رافائل»، «میکل آنژ» و «داوینچی»، به واسطه کمک پاپ‌ها و شاهزادگان ایتالیایی، مهارت‌هایشان را کامل کردند. شهرت بسیاری از معماران کلاسیک فرانسوی قرن هفدهم، همچون هنرمندانی که کاخ ورسای را احداث کردند، مدیون «لویی چهاردهم» بود. «پترکبیر» و «کاترین» در روسیه، حامی متفکران و نقاشان معروف بودند. مثال‌های زیادی از این نوع را می‌توان در تمامی کشورهای جهان یافت.

به همین دلیل است که امروزه، دولت‌ها و سایر نهادهای جامعه، مشوق هنرمندان در جهت خلق یک اثر نقاشی، یا ساختن یک آهنگ و یا تولید نمایشنامه و فیلم هستند. به این منظور ممتازان هر رشته مورد تشویق مادی قرار می‌گیرند، به افتخار آنها جشن‌ها برپا می‌شود، نمایشگاه‌ها و جشنواره‌ها برگزار می‌گردد و در مهمانی‌ها و مجالس جشن و سرور، رخدادهای هنری تبلیغ می‌شود، از افراد جوان و مستعد در زمینه‌های مختلف ادبیات، نقاشی، مجسمه‌سازی، موسیقی سنتی و معاصر دعوت به عمل می‌آید تا در کمیسیون‌های مربوط به برنامه‌های مدارس و در فعالیتهای آموزشی و فرهنگی شرکت کنند. خرید آثار نقاشی محلی توسط ادارات مختلف ایالتی و توزیع آنها بین ادارات متعدد برای تزیین دواير اجرایی، یکی از

راه‌های مشهور ساختن هنرمندان و پاداش دادن به آنهاست. همچنین می‌توان هر پنج یا ده سال، نقاشی‌ها یا مجسمه‌هایی را که میان دواير اجرایی توزیع شده‌اند، گردآوری و در گالری هنرهای معاصر به معرض نمایش گذاشت و بدین ترتیب میدان را برای عرضه آثار هنری جدیدتر باز کرد. علاوه بر این می‌توان گاهی اوقات، از خود هنرمندان دعوت کرد تا برای انتخاب بهترین نقاشی‌ها، در مسابقاتی که به همین منظور برگزار می‌شود، شرکت کنند. شرکت در این مسابقات باید برای هنرمندان ملیت‌های مختلف آزاد باشد تا نشان داده شود که فرهنگ حد و مرزی نمی‌شناسد.

گاه مقامات رسمی از اجرای برخی از نمایشنامه‌ها حمایت می‌کنند، تا از این طریق، از یک سو هنرمندان مستعد را در عرضه آثارشان یاری دهند و از سوی دیگر تعداد بیشتری از شهروندان عادی را با هنر تئاتر آشنا سازند (مانند جشنواره‌های کارتاژ، آوینون، بعلبک و غیره). روند فعلی تئاتر در جهت رواج «تئاتر فضای باز»^(۲۰) است. یعنی نمایش‌هایی که در قالب‌گیری از یک مکان تاریخی یا یک میدان باستانی و یا یک معبد مجلل اتفاق می‌افتند. بدین ترتیب، محیط تاریخی که نمایش در آن اجرا می‌شود نیز، اهمیت می‌یابد.

از آنجا که تشویق خلاقیت‌ها مستلزم کمک به ارتقای توسعه فرهنگی است، بین هنرمندانی که تلاش می‌کنند تا کار بهتری را ارائه دهند، رقابت سالم به وجود می‌آید. شهروندانی که تحت تأثیر زیبایی و هنر قرار گرفته‌اند، به محیط طبیعی، فرهنگی و هنری عشق خواهند ورزید. هیچ هنرمند واقعی را نمی‌توان یافت که در مورد گل‌ها، حیوانات، مناظر طبیعی، کیفیت زندگی و میراث فرهنگی در تمام اشکال آن، فاقد آگاهی ذاتی و فطری باشد و از همشهری‌های خود، تقاضای نشان دادن التفات و احترام بیشتر نسبت به محیط زیست را نداشته باشد.

آموزش هنرمندان

زمانی هنر، مختص کسانی بود که از استعداد و الهام خدادادی برخوردار بودند. بنابراین هیچ نوع آموزش مقدماتی برای هنرمند شدن وجود نداشت. در آن زمان، مؤسسات و دانشکده‌های هنری به شکل امروزی وجود نداشتند و نقاشان، مجسمه‌سازان، شعرا، هنرپیشه‌ها و سایر هنرمندان، برای بحث و تبادل نظر در انجمن‌ها و سالن‌های نمایش آثار هنری گرد می‌آمدند. بسیاری از نوآموزان بدین امید که مشهور شوند، تلاش می‌کردند موقعیتی پیدا کنند تا بتوانند در کارگاه‌های استادان بزرگ و در کنار آنها، فعالیت کنند.

اما امروزه، دانشکده‌های مختلف هنری وجود دارد که در آنها به روی تعداد کثیری از مردم باز است. در این دانشکده‌ها، آموزش مقدماتی و مداوم، در اختیار هنرمندان قرار می‌گیرد و از مردان و زنان صاحب قریحه، دعوت می‌شود تا در آنجا، کار «هنرمندان تازه‌کار»^(۲۱) را هدایت کنند. در همه کشورهای، ظرفیت‌های ملی این گونه مؤسسات باید تقویت شود و کمک‌هایی که به آنها تخصیص می‌یابد، بایستی به طور مداوم مورد تجدیدنظر قرار گیرد تا از کافی بودن این کمک‌ها اطمینان حاصل شود. بدین سان، برای تمام شهروندان، فرصت‌های مساوی به وجود خواهد آمد و هنرمندان قادر خواهند بود ضمن احترام کامل به محیط زیست، استعداد‌های خلاقشان را تکامل بخشند و با شرکت در دوره‌ها یا سخنرانی‌های علمی مربوط به مسائل محیطی و راه‌حل آنها، محیط زیست را بهتر درک کنند. زیرا در این صورت فرهنگ جامعه، همگام با زندگی پیشرفته، رشد خواهد کرد.

خلاقیت و تکنولوژی نوین

امکانات سمعی، بصری در خلاقیت هنری نقش مهمی را ایفا می‌کنند. به عنوان مثال، همه کسانی که فعالیت‌هایشان با مسائل خانه‌سازی مرتبط است، باید مطالعات خاصی (هر چند بسیار ناچیز) داشته باشند تا از طریق آن، اشکال تکنولوژی سازگار با محیط را ارتقا بخشند و با انواع جدید خلاقیت‌ها آشنا شوند. انتخاب مصالح ساختمانی (به نحوی که کار با آنها آسان و از نظر اقتصادی با صرفه باشد)، امری مهم است. اما مهمتر از آن، توجه به میزان سازگاری مصالح از نظر بوم‌شناختی با حفظ محیط زیست و بهداشت عمومی، و قابلیت عایق‌بندی آنها در مقابل گرما، سرما، صدا و رطوبت است. همچنین باید به استفاده از مواد نسوز برای جلوگیری از گسترش شعله‌های آتش (می‌توان چوب، پلاستیک و سایر مصالح را به مواد نسوز آغشته کرد) و استفاده از محصولات شیمیایی غیر سمی برای جلوگیری از ایجاد و گسترش میکروب‌ها نیز توجه داشت. کسب مهارت و تجربه در زمینه تکنولوژی‌های جدید، به توسعه فرهنگی معماران و تکنسین‌ها کمک می‌کند و این امکان را برای آنها فراهم می‌سازد تا از توسعه فرهنگی خود در جهت حفظ محیط‌های طبیعی و مصنوعی استفاده کنند.

تشویق صنایع دستی

صنایع دستی شکلی از فرهنگ سنتی و قومی و شامل معماری، موسیقی، ادبیات، رقص، اسطوره، آداب و رسوم و غیره است.

یکی از تعاریف فرهنگ قومی و سنتی، تعریفی است که در سال ۱۹۸۹ در سی و دومین جلسه از بیست و پنجمین نشست کنفرانس عمومی یونسکو ارائه شد [قطعنامه ۱۰۳]:

«فرهنگ سنتی و قومی، به معنای کل آفرینش‌های مبتنی بر سنت در یک جامعه فرهنگی است. تا جایی که معرف هویت فرهنگی و اجتماعی جامعه، و بیانگر انتظارات جامعه و افراد، و معیارها و ارزش‌هایی باشد که به صورت شفاهی، از طریق تقلید، یا سایر روش‌ها به نسل بعدی منتقل می‌شوند. صور مختلف این آفرینش‌ها عبارتند از: زبان، ادبیات، موسیقی، رقص، بازی، اسطوره، شعائر دینی، رسوم، صنایع دستی، معماری و سایر هنرها».

همه این آفرینش‌ها، بخشی از محیط اجتماعی است و حفظ آنها به توسعه فرهنگی کمک می‌کند. اما سؤال اساسی این است که چگونه صنایع دستی را باید مورد توجه قرار داد و آن را حفظ و حمایت کرد؟ به نظر می‌رسد پیش از هر چیز باید فعالیت‌های مختلف فهرست شوند. سپس فروش محصولات ناشی از آنها مورد تشویق قرار گیرند، و دیدارهایی از کارگاه‌ها ترتیب داده شوند. همچنین دولت‌ها باید صنایع را مورد حمایت قرار دهند و در صورت لزوم، تقاضای کمک بین‌المللی کنند و از وسایل ملی مختلفی که در اختیار دارند، بهره جویند.

صنایع دستی

هر کشوری، باید متداول‌ترین مشاغل صنعتی خود را فهرست کند. نظیر: فلزکاری، طلاکاری، نقره‌کاری، مسگری، حلب‌سازی، برنژکاری، آهنگری، منبت‌کاری، صدف‌سازی، سبببافی، سفالگری، شیشه‌سازی، تولید برخی از فراورده‌های غذایی محلی از قبیل نان، مربا، پنیر، روغن، بافندگی و پرورش کرم ابریشم، نخ‌ریسی و پرده‌دوزی، قلاب‌دوزی، ساعت‌سازی و غیره.

ایجاد تسهیلات برای فروش آثار دستی و دیدار از کارگاه‌ها

یکی از روش‌هایی که بقای صنایع دستی را ممکن می‌سازد، ایجاد تسهیلات برای فروش محصولات آنهاست. تعاونی‌هایی که مورد حمایت مسئولین رسمی هستند، این محصولات را

جمع‌آوری می‌کنند و در فروشگاه‌های مخصوصی به قیمت‌های ثابت به معرض نمایش و فروش می‌گذارند و از طریق رسانه‌های همگانی، آژانس‌های مسافرتی، هتل‌ها و غیره آنها را تبلیغ می‌کنند. از افراد جوان دعوت می‌شود از کارگاه‌های صنعتگران دیدار کنند و آنها را در حال کار ببینند تا در سنین ابتدایی زندگی، زیبایی صنایع دستی را دریابند و قدر و ارزش واقعی آنها را بدانند. در این راستا برای حفظ «بنیان‌های» جامعه و افزایش آگاهی عمومی، بهبود کیفیت زندگی و توسعه فرهنگی، ضروری است.

اقدامات مالی

مداخله دولت، مستلزم بر عهده گرفتن اقدامات مالی است که از سوی برخی از سیاستمداران و اقتصاددانان، غیر ضروری تلقی می‌شود. زیرا این افراد، برای تشویق مهارت‌های دستی، اولویتی قائل نیستند و تصور می‌کنند، این کارها به اندازه کافی سودآور نیست. به این دلیل از سازمان‌های غیردولتی خواسته می‌شود که به حفظ محیط زیست انسانی کمک کنند. همچنین کمک‌های بین‌المللی، باید کشورهای در حال توسعه را از مشکلات مالی نجات دهند. پیش از آن که فرصت از دست برود و بعضی از اشکال صنایع دستی برای همیشه نابود شوند. زیرا به علت فقدان کارگر ماهر و مجرب، بعضی از محصولات دستی در حال نابودی است. در گذشته ساخت این محصولات از پدر به پسر منتقل می‌شد. اما اکنون نیاز به کسب منافع بیشتر موجب شده است که پسران مشاغل آبا و اجدادی خانواده‌هایشان را رها سازند و به سایر مناطق مهاجرت کنند. بنابراین بایستی شرایطی فراهم شود تا این افراد برای بازگشت به مناطق خود و از سرگیری این مشاغل، تشویق شوند.

ترویج صنایع و مهارت‌های دستی قدیمی

دولت‌ها باید راه‌هایی برای حفظ و حمایت صنایع قدیمی و ترویج مهارت‌های دستی بیابند. به این منظور علاوه بر تخصیص کمک‌های مالی و برانگیختن علاقه دولت‌ها، باید اقدامات ذیل انجام شود:

- تبدیل ساختمان‌های قدیمی و مراکز فعالیت مهارت‌های دستی، به موزه. (از قبیل: آسیاب‌های قدیمی که به وسیله نیروی باد، آب یا حیوانات کار می‌کردند، محل استقرار دستگاه‌های آب‌گیری

میوه‌ها و روغن‌کشی، ساختمان‌های قدیمی که مراحل مختلف پرورش کرم ابریشم و تولید ابریشم در آنها انجام می‌گرفت، معادن قدیمی و محل‌های استخراج نمک و غیره).

- حفاظت از ماشین‌ها و ابزارهایی که در صنایع قدیم به کار می‌رفتند، به منظور مقایسه آنها با ابزارهای جدیدی که نتیجه تکنولوژی نوین است، همچنین زنده نگاه داشتن کارگاه‌های نسل‌های قدیم.

- گنجاندن مطالبی که در زمینه حرمت فعالیت‌های یدی در کتاب‌های درسی و آشنا کردن دانش‌آموزان با این گونه فعالیت‌ها (در این متون، باید از عکس‌ها و طرح‌هایی که بیانگر مراحل مختلف ساخت این وسایل و نیز نشان‌دهنده رسوم اجتماعی مربوط به آنهاست، استفاده شود).

- تولید برنامه‌های تلویزیونی در زمینه غنا و زیبایی محصولات دستی و جلب توجه عامه مردم به این محصولات (ارائه چنین برنامه‌هایی را می‌توان به وسیله هنرمندان مشهور، صاحب قریحه و با نفوذ انجام داد تا بینندگان را جذب کنند و آنها را به قدردانی از صنایع دستی ترغیب نمایند).

- ایجاد مراکز فرهنگی: به این منظور، می‌توان مجموعه کاملی از فعالیت‌های هنری بسیار متنوع، در ساختمان‌های متروکه، قدیمی، یا حتی جدید ترتیب داد. صرف‌نظر از اینکه نوع معماری و یا کارکرد اولیه این بناها چه بوده است. در نشریه دهنه جهانی توسعه فرهنگی در مقاله‌ای تحت عنوان «خانه‌های فرهنگی در دانمارک: تلاشی در جهت استقلال فرهنگی»^(۲۲)، چنین می‌خوانیم:

«در اودنسه - سومین شهر بزرگ دانمارک - حرکت وسیع مردم محلی، مانع از تخریب تعداد زیادی از ساختمان‌هایی شد که از قرن نوزدهم تا دهه ۱۹۷۰ محل استقرار صنایع پشم‌بافی بود (در سال ۱۹۷۰ تولیداتشان متوقف شد). کل این ناحیه در سال ۱۹۷۹ به عنوان یک مرکز فرهنگی بازسازی شد. به نحوی که امروزه یکی از بزرگ‌ترین مراکز دیدنی و جذاب به شمار می‌رود. اکنون در این ناحیه، غرفه‌های نمایش، موزه‌ها، سالن‌های ملاقات عمومی و رستوران‌ها قرار دارد. در دانمارک، وزارت محیط زیست، مسؤول حفظ و نگهداری این‌بینه تاریخی است. این مقاله در ادامه تأکید می‌کند که ... وقتی تمایل به نگهداری میراث معماری گذشته با تلاش برای ترویج توسعه فرهنگی در زمان حال توأم شود، اغنیا نیز امکانات خود را در این راستا به کار می‌گیرند.

تقویت هویت فرهنگی

یکی از چهار هدف دهه جهانی توسعه فرهنگی، احیا و تقویت هویت‌های فرهنگی است. فرهنگ افراد و جوامع، بخش لازم زندگی است. این فرهنگ شامل مجموعه متغیری از کارهای گذشته و حال است که از طریق آن و به مرور زمان، نظام ارزش‌ها، بینش اخلاقی و ویژه جامعه، سنن و رسوم، قضاوت هنری خاص و سایر جوانب زندگی که شاخص خلق و خوی خاص یک ملت هستند، پدید آمده‌اند.

ملل مختلف جهان و گروه‌های متفاوت اجتماعی، ضمن اینکه به ماهیت جهانی بسیاری از مسائل محیطی، فرهنگی و اجتماعی-اقتصادی (که حل آنها علاوه بر همه عوامل، نیازمند «بیداری آموزشی»^(۲۳) است) توجه دارند، باید به تدریج هویت فرهنگی خود را دریابند، آن را محترم بدارند و بارور سازند. در نگاه اول، به نظر می‌رسد این کار با گشاده‌روی در مقابل سایر فرهنگ‌ها و ویژگی‌های بین‌المللی و انسانی آنها تعارض دارد. اما در واقع یک ملت برای آنکه بتواند به فرهنگ سایر ملل احترام بگذارد، باید ابتدا هویت فرهنگی خود را بشناسد. در مورد مسائل محیطی نیز این گفته صادق است. قبل از تلاش برای حل مسائلی که محدود به مرزهای ملی نیستند، باید دریابیم که کدام یک از این مسائل، مستقیماً بر ما اثر می‌گذارند. اگر نقطه شروع پیوند توسعه فرهنگی با محیط، محیط طبیعی محلی و میراث فرهنگی ملی باشد (نه کل ابناء بشر و محیط جهانی)، این پیوند خیلی محکم‌تر خواهد بود. کنفرانس عمومی یونسکو در بیست و پنجمین نشست خود در سال ۱۹۸۹ (قطعنامه ۱۰۳)، تحت عنوان «حفظ و تقویت میراث فرهنگی»، به مدیر کل اختیارات ذیل را اعطا می‌کند:

الف) ارتقای میراث فرهنگ مادی - که هویت‌های فرهنگی ریشه در آن دارند - متضمن تلفیق بهتر این میراث با حیات فرهنگی معاصر و قابل دسترس‌تر ساختن آن برای عموم است. این هدف می‌تواند از طریق مختلف، حاصل شود:

- ۱) گسترش کاربرد وسایل استاندارد که مورد تأیید یونسکو است.
- ۲) تشویق آموزش پرسنل متخصص و تبادل اطلاعات، بین حرفه‌های مختلف.
- ۳) تقویت اقدامات حفاظتی چارچوب «استراتژی عملیات بین‌المللی حفاظت»^(۲۴) که در بیست و چهارمین نشست کنفرانس عمومی اتخاذ شد و با اصول تدوین شده در سومین برنامه میان مدت نیز تطابق دارد.

۴) تقویت کمک به دول عضو برای اقدامات حفاظتی اضطراری و برای عملیات نجات اماکن باستانی.

۵) تشویق توسعه موزه‌ها.

۶) تسهیل مذاکرات دو جانبه برای بازگشت یا استرداد اموال فرهنگی به کشورهای مبدأ.

ب) بسط اقداماتی در جهت حفظ میراث فرهنگی معنوی، به روش‌های زیر:

۱) کمک به جمع‌آوری و نگهداری سنن فرهنگی شفاهی و غیر شفاهی در نواحی

مختلف جغرافیایی، خصوصاً در آفریقا و تشویق نشر آنها با وسایل سمعی و بصری.

۲) تشویق حفظ زبان‌هایی که در حال نابودی است و تقویت زبان‌های مادری یا زبان‌های

ملی مخصوصاً در آفریقا و نظایر آن.

بدین ترتیب تقویت هویت فرهنگی بیانگر این نکته است که رابطه بین انسان و طبیعت، یک

مسئله فرهنگی است و از توجه به محیط طبیعی ناشی می‌شود. «مراقبت از محیط زیست بخش

لازم سیاست فرهنگی است»، بین «حفظ محیط طبیعی و رشد کامل شخصیت انسانی،

پیوندهای محکمی وجود دارد. شهرسازی، معماری و تکنولوژی نوین، از ابداعات انسانی

هستند و چارچوبی برای حیات فرهنگی به شمار می‌روند. توسعه تکنولوژیکی و صنعتی نباید

به تخریب محیط طبیعی و انسانی ختم شود. نیازهای فرهنگی بسیاری در ارتباط با توسعه

محیط زیست انسانی وجود دارد. فرهنگ و محیط زیست در چندین زمینه به یکدیگر وابستگی

متقابل دارند. مثلاً در زمینه حفظ آثار و اماکن تاریخی یا در زمینه مطالعات روان‌شناختی -

جامعه‌شناختی مربوط به درک محیط زیست ...» [کنفرانس هلسنکی، ۱۹۷۲، یونسکو].

قبلاً در چهاردهمین نشست کنفرانس عمومی یونسکو در سال ۱۹۶۶ تصریح شد که:

«هر فرهنگی دارای مقام و رتبه‌ای است که باید به آن احترام گذاشت و آن را حفظ نمود ...

توسعه فرهنگ از حقوق و تعهدات هر یک از ملت‌هاست ... همه فرهنگ‌ها ضمن تنوع و

پراکندگی زیاد و ضمن تأثیرات متقابلی که بر یکدیگر دارند، بخشی از میراث مشترکی را

می‌سازند که به تمامی نوع بشر تعلق دارد».

نویسنده معتقد است که هر کشوری برای فائق آمدن بر تمامی موانعی که بر سر راه حفظ

هویت فرهنگی خود با آن مواجه است، باید دارای استقلال سیاسی باشد.

«دولت‌ها برای حفظ میراث فرهنگی، سنتی و مردمی خود باید به اقدامات لازم مبادرت

ورزند. بعضی اوقات حفظ میراث فرهنگی مستلزم قانون‌گذاری و اقدامات لازم دیگری است، مخصوصاً در جاهایی که به واسطه غفلت، سنن شفاهی در معرض خطر نابودی تدریجی است و عمل به این سنن کاملاً در حال منسوخ شدن است» (ژرژ تومه، ۱۹۹۰).

بنابراین اگر می‌خواهیم فرهنگ خاص هر ملت به حفظ محیط زیست کمک کند، باید قدم‌های بی‌شماری برداریم، که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- برقراری تعادل هماهنگ بین فرهنگ باستانی، سنت مردمی، تکنولوژی نوین و تمدن.
- همکاری بین شمال و جنوب براساس تبادل دو جانبه فرهنگ و اطلاعات در مورد وضع محیط زیست.
- آگاهی دو جانبه از فرهنگ، کشاورزی، «سنن مربوط به سلامتی»^(۲۵) و نظایر آن.
- گفتگوی مفید، واقعی و صریح در مورد میراث فرهنگی، براساس این ایده که در کشورهای غنی و فقیر باید با میراث فرهنگی برخوردی یکسان شود.

تعادل بین قدیم و جدید

برای توضیح توازن هماهنگی که باید در هر کشوری برای حفظ محیط زیست و توسعه فرهنگی، بین قدیم و جدید برقرار شود، می‌توان چندین مثال ارائه کرد. این مثال‌ها را می‌توان در زمینه‌های معماری، شهرسازی، مشاغل مربوط به نساجی، آشپزی، طبخ غذا، و بیان هنری در تمامی اشکال آن، یافت.

در شهرهای قدیمی که رو به توسعه و گسترش هستند، تمایل به حفظ برخی از مکان‌های معماری در مقابل تهاجم ساختمان‌های جدید، وجود دارد. در این شهرها، میادین عمومی، خیابان‌های تنگ و باریک با چشمه‌ها و گل‌کاری‌هایی در حاشیه آنها، خیابان‌های تقریباً بدون پیاده‌رو، و نمای ساختمان‌های مسکونی قدیمی، مراکز شهرها را شکل می‌دهند.

این گونه معماری‌ها، مورد تحسین جهانگردان است و دوستانان زیبایی‌ها را برمی‌انگیزد. در سراسر جهان اقداماتی صورت گرفته است تا از برخی از شهرها، نظیر صنعا در یمن، محافظت به عمل آید. در حالی که سایر شهرها در جنگ‌ها، به وسیله بمب‌های ویرانگر نابود می‌شوند و یا توسط بولدوزرهایی که در ظرف چند ساعت، آثار تمدن چندین قرن را تخریب می‌کنند، کاملاً ناپدید می‌گردند. بنابراین اگر اراده سیاسی روا دارد، می‌توان برخی جوانب میراث فرهنگی گذشته را با برقراری توازنی هماهنگ با زمان حال حفظ کرد.

همکاری شمال - جنوب و مبادلات دوجانبه

اگر هر کشوری اعم از توسعه یافته و در حال توسعه، از خود اراده سیاسی نشان دهد، و بدون هیچ قید و شرطی و تنها با هدف تبادل آرا و اطلاعات مربوط به فعالیت‌های فرهنگی و حفظ محیط زیست، به طرف دیگران دست دوستی دراز کند، آنگاه محیط زیست و توسعه فرهنگی هر دو تقویت خواهند شد. زیرا هیچ چیز به میزان تماس مستقیم بین هنرمندان، دانشجویان و معلمین (وقتی که با هم صحبت می‌کنند و تحسین دوجانبه‌شان را اظهار می‌دارند، یکدیگر را می‌شناسند و به رسوم، اعتقادات، «نگرش‌ها»^(۲۶)، نحوه زندگی و وسایل ابراز احساسات یکدیگر احترام می‌گذارند). در تحکمی دوستی بین ملت‌ها مؤثر نیست. ارتباط‌هایی از این نوع، ضمن تقویت هویت فرهنگی «یک طرف»^(۲۷)، پذیرش هویت فرهنگی طرف دیگر را نیز تسهیل می‌کند. این گونه ارائه کردن و ارائه دادن، بین ملت‌ها و افرادی که مساوی هستند، به یک اندازه خوشایند و دلپذیر است.

اگرچه هر دولتی حق بهره‌برداری از منابع خود را دارد، ولی ممکن است با این کار به محیط زیست خسارت وارد سازد و بر سایر دولت‌ها نیز اثر بگذارد.

مطابق منشور ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل، دولت‌ها حق دارند، مطابق سیاست‌های محیطی خود، از منابعشان بهره‌برداری کنند و باید تضمین کنند که آنچه در محدوده حاکمیت ملی انجام می‌دهند به محیط زیست سایر دولت‌ها یا نواحی خارج از مرزهای قلمرو قدرت ملی خساراتی وارد نمی‌کند [اصل ۲۱، اعلامیه استکهلم، ۱۹۷۲].

برقراری روابط حسنه بین همسایگان، ایجاب می‌کند که افکار عمومی جهان به طور مداوم و به سرعت از مسائل محیطی مطلع شوند؛ مسائلی از قبیل سانحه هسته‌ای در چرنوبیل، قطع درختان جنگلی یک ناحیه (مثلاً در آمازون)، یا تصادف دو نفتکش حمل نفت خام، پروژه‌هایی که برای منحرف ساختن مسیر رودخانه اجرا می‌شود، یا احداث یک سد که مکان‌های قدیمی و باستانی را زیر آب می‌برد. اگر همه کشورها در پرداخت هزینه‌های مربوط به انتقال معابد فراعنه، قبل از اینکه آب‌های نیل برای همیشه آنها را دربرگیرد، مشارکت نکرده بودند، احداث سد آسوان فاجعه بزرگی برای میراث فرهنگی جهان به شمار می‌رفت. این یک نمونه عالی از همکاری بین‌المللی است.

گفتگو در باب میراث فرهنگی

در چارچوب برنامه دهه جهانی توسعه فرهنگی، اجرای پروژه‌ای وسیع و در ابعاد بین‌المللی، در سال ۱۹۸۸ توسط یونسکو شروع شده است. عنوان این پروژه «مطالعه همه جانبه جاده‌های ابریشم: جاده‌هایی برای بحث و گفتگو» است و اجرای آن تا سال ۱۹۹۷ طول خواهد کشید.

یکی از اهداف اولیه این پروژه بسیج جامعه دانشگاهی دنیا برای انجام تحقیقاتی در مورد جاده‌های ابریشم است. در عین حال پروژه مذکور می‌تواند هویت فرهنگی بسیاری از ملل مختلف را از جوانب مختلف روشن سازد و بنابراین به درک بهتر میراث فرهنگی آنها کمک می‌کند.

بی‌معناست که بگوییم اجتماعات و افراد کشورهای توسعه یافته، اولین مردمانی بودند که زیبایی را درک کردند و به ارزش آثار هنری، عتیقه‌جات و اماکن باستانی، پی بردند. بیش از یک قرن است که افراد و هیأت‌های باستان‌شناسی از برخی کشورهای پیشرفته، در جستجوی ثروت تاریخی ما نواحی مختلف دنیا را زیر پا گذاشته‌اند. حاصل تلاش این گروه‌ها، انتقال مجموعه‌های کامل آثار هنری، مجسمه‌ها، ستون‌ها، منبت‌کاری‌ها و نقاشی‌ها به این کشورها، به منظور زینت بخشیدن به قصرها، موزه‌ها و سایر ساختمان‌های مشهور جهان است. بعضی اوقات می‌توان گفت که خوشبختانه این مجموعه‌ها بدین ترتیب محفوظ مانده‌اند. امروزه دیگر هیچ جامعه‌ای وجود ندارد که از ارزش واقعی میراث خود غافل باشد. میراث یک جامعه باید در همان جایی که قرار دارد حفظ شود تا همه مردم بتوانند آن را تحسین کنند. انتقال حتی گوشه‌ای از ثروت یک جامعه به جامعه دیگر، هیچ توجیهی نمی‌تواند داشته باشد. یک ضرب‌المثل لبنانی می‌گوید: «خوش آمد گفتن به من بهتر از غذا دادن به من است». این ضرب‌المثل اهمیت گفت و شنود را می‌رساند که وقتی صریح باشد، عمیق است. «جاده‌هایی برای بحث و گفتگو» اگر توسط افراد متساوی‌الحقوق و آزاد برگزیده شود، فقط می‌تواند به کشف یک چیز بیانجامد و آن اینکه محیط زیست و توسعه فرهنگی، به کل نژاد بشر تعلق دارد. ما باید به نحوی عمل کنیم که حفظ یکی موجب پیشرفت دیگری شود. یک شکل از این گفتگو، مبادلات فرهنگی است.

ارتقای مبادلات فرهنگی

تبادل دانش و نظرات، افراد را به یکدیگر نزدیک تر می‌کند و موجب می‌شود که مردم به یکدیگر احترام بگذارند و با عدالت بیشتری نسبت به هم رفتار کنند. گفت و شنود، و آشنایی متقابل و تبادل کلمات، مستلزم آن است که حداقل دو طرف وجود داشته باشد.

«یکی از اولین شرایط برای گفت و شنود، عبارتست از اینکه هر ناحیه فرهنگی تشویق شود تا نیازهای واقعی خود، انگیزه‌هایی که برای تداوم گفت و شنود دارد، منافع مورد انتظار خود و سهمی را که می‌تواند داشته باشد، در مقیاس جهانی تدوین کند، نه اینکه به تنظیم تقاضاها و عقده‌های روانی خود - هر چقدر هم بجا باشند - بپردازد» [روگمونت - بنیانگذار مرکز فرهنگی اروپا در ژنو - ۱۹۹۰].

اگر تمام ساکنین کره زمین تشریک مساعی کنند، دانش خود را مبادله نمایند و به طور جدی در جستجوی راه حل‌هایی برای مسائل محیطی روزمره باشند، حفظ محیط زیست بهتر تضمین می‌شود و توسعه فرهنگی در مسیر صحیح خود قرار خواهد گرفت. تحقق این امر کمک خواهد کرد تا مردم با ترکیب کردن افکار، احساسات و اعتقادات، وضع قوانین، تصورات و اعمال، به یکدیگر نزدیک تر شوند [روگمونت، ۱۹۹۰].

اگر می‌خواهیم چنین سیاستی موفق باشد، همه باید احساس کنند که این سیاست به آنها نیز مربوط است. همه شهروندان، تمامی اعضای جوامع، کارخانه‌داران، مصرف‌کنندگان، تصمیم‌گیران، پیشه‌وران، شهرداری‌ها، «نمایندگان انتخابی»^(۲۸) انتخاب‌کنندگان، معلمان، دانش‌آموزان و غیره، باید به خوبی از دیگر فرهنگ‌ها مطلع باشند. به این دلیل تشویق ملت‌ها به شناخت یکدیگر امری مهم است. این شناخت می‌تواند از طرق ذیل صورت گیرد:

- تبادل تشریحات، کتاب‌ها، اسناد و غیره
- تشویق معلمان و دانش‌آموزان به مسافرت
- آسان‌تر ساختن «سیاحت‌های فرهنگی»^(۲۹)
- تبادل برنامه‌های سمعی، بصری دارای کیفیت بالا
- انجام اقدامات قانونی، اجرایی و مالی که امکان رفع موانع «زبانی»^(۳۰)، فنی و اقتصادی موجود بر سر راه مبادلات فرهنگی را فراهم می‌آورند.
- استقبال موزه‌ها و اماکن باستانی از تمامی کسانی که می‌خواهند دانش و فرهنگ خود را توسعه دهند.

تبادل آساند

چنانچه به هر علت به محیط اجتماعی، فرهنگی و طبیعی آسیبی وارد شود، بازتاب‌های این آسیب را تمامی انسان‌ها احساس خواهند کرد، هر چند که ممکن است فقط به گروه محدودی از انسان‌ها مربوط شود. مثلاً، از میان اثرات مختلف آلودگی هوا می‌توان به اثر مستقیم آن بر ابنیه تاریخی و ساختمان‌های قدیمی اشاره کرد؛ آلودگی هوا موجب فروریختن قسمت‌های سنگی ساختمان‌ها و از بین رفتن آنها می‌شود. بعضی از متخصصین در فکر انتقال مجسمه‌های در معرض آلودگی هوا، از دید عموم به جایی امن‌تر، و قراردادن مجسمه‌های بدلی به جای آنها هستند. برای اینکه حمایت عموم مردم، مسؤولین را قادر به عملی کردن چنین تصمیماتی کند، باید ابتدا مردم را از کم و کیف مسأله مطلع کرد. این موضوعی بود که در گردهمایی بین‌المللی مردم در ژوئن ۱۹۹۱ به بحث گذاشته شد (وسایل ارتباط جمعی هنر را نجات می‌دهند، ژم، ۱۹۹۱).

هدف اصلی گردهمایی مذکور، ارائه مدارکی دقیق در مورد نقش وسایل ارتباط جمعی در جلب کردن توجه مردم به سوی میراث فرهنگی و نشر اطلاعاتی درباره آن و افزایش توجه به گذشته بود. مطبوعات، سینما، تلویزیون، و بخش سمعی - بصری در هر جامعه، توسعه فرهنگی را به مسائل مربوط به حفظ میراث آن جامعه و اقداماتی که جهت حفظ و مرمت آن باید صورت گیرد، مرتبط می‌کنند. برای برگزارکنندگان این گردهمایی آشکار بود که با شدت یافتن تخریب میراث فرهنگی، آسیب وارده به مرحله‌ای می‌رسد که نمی‌توان این خرابی‌ها را نادیده گرفت و در این میان، کشورهای کمتر توسعه‌یافته، بیشتر صدمه می‌بینند. زیرا حتی اگر آنها مایل باشند که از میراث خود حفاظت کنند، یک چنین سیاستی در مقایسه با مسائلی از قبیل بهداشت، سواد و تغذیه، از اولویت چندانی برخوردار نیست. هیچکس نمی‌تواند از شخص گرسنه بخواهد برای حفظ یک بنای تاریخی، فداکاری کند. کشورهای توسعه‌یافته در فکر حفظ اسناد تاریخی، کتابخانه‌ها، نقاشی‌ها، مجسمه‌ها، قصرها و شهرهای قدیمی خود هستند و امکانات انجام این کارها را نیز دارند. هرچه افراد بهتر مطلع شوند، لزوم حمایت از تلاش‌های ادارات دولتی را در جهت حفظ میراث فرهنگی و طبیعی بیشتر درک می‌کنند. در این نوع جلسات، ضمن تبادل تجربیات، نمایشگاه‌ها و مباحثاتی در زمینه وسایل ارتباطی برگزار می‌شود. این امر موجب برانگیختگی علاقه عامه مردم و تصمیم‌گیران به حفظ و مرمت ابنیه تاریخی، تبادل نشریاتی در مورد این موضوعات و تقویت همکاری بین جامعه فرهنگی و هنری

بین‌المللی و سازمان‌های ذی‌صلاح غیر دولتی می‌شود. بنابراین باید تأثیر مبادله آن دسته از محصولات فرهنگی که ماهیتی صنعتی دارند (از قبیل کتاب‌ها، نشریات، مجلات و پوسترها)، بر فرهنگ‌ها و حفظ محیط زیست، مورد تأکید قرار گیرد. پیشرفت در صنعت نشر را باید در کشورهای که به آن نیازمندند، تشویق کرد و از طریق پرورش و «عادت به مطالعه در طول دوران عمر»^(۳۱)، نقش کتاب و مطالعه را افزایش داد [رک: سومین برنامه میان مدت یونسکو ۱۹۹۵-۱۹۹۰].

سفرهای خارجی و تبادل استاد و دانشجو

اگر آموزش و فرهنگ را تفکیک‌ناپذیر بدانیم، لازم است که استادان و دانشجویان هر کشور بتوانند دانش و تجربه خود را با دانش و تجربه استادان و دانشجویان سایر کشورها مبادله کنند تا به توسعه فرهنگی غنی‌تر و نوید بخش‌تری نائل شوند. سفرهای خارجی این امکان را برای کارگزاران آموزش و فرهنگ فراهم خواهد ساخت تا:

- از فرهنگ سایر ملل اطلاع یابند، زیرا برخورد و اختلاط با ملت‌های دیگر، همیشه به نفع فرد و جامعه است و موجب درک بهتر روابط بین فرهنگ و محیط زیست می‌شود.

- میراث هنری، اجتماعی و فرهنگی را تحسین کنند. زمانی که بازدیدکنندگان، زیبایی مکان‌های باستانی، نقاشی‌ها و مجسمه‌های خارجی را تحسین می‌کنند، در واقع فرهنگ خود را غنی می‌سازند و نسبت به لزوم حل مسائل محیطی آگاه‌تر می‌شوند.

- وضعیت واقعی محیط زیست خود را بهتر درک می‌کنند. از آنجا که بعضی از اشکال آلودگی از قبیل آلودگی جوئی و آلودگی رودخانه‌ها و دریاها را نمی‌توان در چارچوب مرزهای محلی محدود کرد، لذا منشاء بعضی از مسائل محیطی موجود در یک کشور خاص ممکن است در خارج از مرزهای آن کشور نهفته باشد. سفرهای خارجی دانشجویان و استادان، بعضی اوقات موجب می‌شود آنان به وسعت خساراتی که از طریق کشور خود به محیط زیست کشور همسایه وارد می‌کنند، پی ببرند.

تبادل گروه‌های دانش‌آموزی، مکاتبه بین‌المللی بین دانش‌آموزان، مطالعه و ترجمه آثار ادبی، تاریخ جهان و غیره، برخی از «اشکال آموزش و پرورش کودکان»^(۳۲) است که اطلاع از سایر فرهنگ‌ها و آموزش محیطی را افزایش می‌دهد. اگر معلمین «رویکردی میان فرهنگی»^(۳۳) اتخاذ کنند، توسعه فرهنگی و درک محیطی بین‌المللی، وضع بهتری خواهد یافت. در خلال این

سفرها، همراهان می‌توانند اقدام به مبادله کتاب، فیلم، نوار کاست و غیره کنند. برای افزایش این مبادلات، دولت‌ها باید:

... منابع انسانی و مادی را ترکیب کنند تا توسعه فرهنگ‌ها، دوباره فعال شود. دولت‌ها باید کسب مجوز خروج از کشور را برای دانشجویان و محققان تسهیل کنند. هر چیزی که دانش بازدیدکنندگان را افزایش می‌دهد، باید به آسانی برای آنها فراهم شود. همچنین تسهیلات لازم برای مردمی که علاقه‌مند به مطالعه و بازدید از آثار تمدنی کشورهای دیگر هستند، نیز باید فراهم شود [زرژ تومه، ۱۹۹۰].

سیاحت‌های فرهنگی

سیاحت‌های فرهنگی، شامل بازدید از موزه‌ها، ابنیه تاریخی، گالری‌های هنری، آپراها، تئاترها و «ذخایر طبیعی»^(۳۲)، با کمک راهنمایان، و سفر به حومه شهر برای لذت بردن از زیبایی‌های آن و کسب اطلاع از ویژگی‌های طبیعی نواحی و «نقاط دیدنی»^(۳۵) است. تشویق این نوع سیاحت‌های تاریخی، هنری و طبیعی کمک خواهد کرد تا رشد فردی به بُعدی فرهنگی دست یابد. به این ترتیب، مردم نسبت به کوشش برای حفظ و مرمت ثروت‌های جامعه خود و به طور کلی حفظ محیط زیست، حساس‌تر خواهند شد.

تبادل برنامه‌های سمعی و بصری

تولید برنامه‌های سمعی - بصری دارای کیفیت بالا، هزینه زیادی دربردارد که بعضی از کشورهای در حال توسعه قادر به تأمین آنها نیستند. به نفع کشورهای توسعه یافته است که اجازه دهند تا سایر کشورها از برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی آنها استفاده کنند. این برنامه‌ها ابزار مؤثری برای گسترش اطلاعات درباره فرهنگ کشور تولیدکننده آنهاست. مهمتر اینکه، این برنامه‌ها به اجرای آموزش فوق برنامه که از هر نظر مفید است، کمک می‌کند.

کشورهای جهان سوم می‌توانند با سازماندهی نمایش‌هایی برای بازدیدکنندگان و جهانگردان، مراحل مهم تاریخ کشورشان را نشان دهند و اطلاعات آنان را در مورد کشور مورد نظر افزایش دهند. بدین ترتیب برخی از جوانب حیات فرهنگی (موسیقی، «صنایع دستی»^(۳۶)) و غیره) متداول می‌شود. در عین حال، می‌توان برای تبلیغ فعالیت‌های هنری، اقدام به برگزاری نمایشگاه‌های هنری و نمایشگاه‌هایی از شاهکارهای تاریخی، تئاتر، موسیقی و فرهنگ عامه در

کشورهای میزبان کرد. تمامی این فعالیت‌های فرهنگی، ضمن نزدیک‌تر کردن فرهنگ‌ها به یکدیگر، موفقیت اقدامات مربوط به حفظ محیط زیست را نیز تضمین می‌کنند.

موانع مبادلات

بعضی اوقات این مبادلات با مشکلات طبیعی از جمله زبان مواجه‌اند. برای رفع مشکل زبان می‌توان فیلم‌ها را با زیرنویس تهیه کرد و یا آنها را به زبان کشوری که گیرنده برنامه‌های خارجی است، دوبله نمود. در مورد برنامه‌هایی چون «اجرای موسیقی»^(۳۷)، رقص‌باله، رقص‌های محلی و سیرک‌ها که نیاز به ترجمه ندارند، می‌توان جزواتی را مشتمل بر خلاصه‌ای از برنامه‌های مختلف خارجی، به زبان کشور گیرنده تهیه کرد. هزینه این جزوات در مقایسه با مزایایی که برای افراد ذی‌نفع دارند، بسیار ناچیز است.

بازدید رایگان از موزه‌ها

این وظیفه مقامات دولتی است که دسترسی به موزه‌ها، اماکن باستانی، کنسرت‌های موسیقی و غیره را تسهیل کنند. زیرا مدرسه به تنهایی نمی‌تواند تمام امکانات لازم برای شناخت و فهم محیط اطراف و ویژگی‌های فرهنگی را فراهم آورد. بنابراین، لازم است که جوانان و بزرگسالان از طریق بازدید رایگان از موزه‌ها و آثار باستانی، با هنر جهانی آشنا شوند و از تاریخ جهان نکات سودمندی بیاموزند. این کار موجب برانگیختن کنجکاوی آنان در مورد سایر کشورها می‌شود. هر شهروندی با کشف هویت فرهنگی خود در یک «زمینه تاریخی»^(۳۸)، به درک بهتر خویش نائل خواهد آمد و لذا از فرهنگ سایر ملل نیز قدردانی بهتری به عمل خواهد آورد. مخصوصاً اگر مجبور باشد در مدرسه و در محیط کار، با افرادی از سایر کشورها هم‌نشین باشد. بدین ترتیب تدریس تاریخ جالب‌تر خواهد شد، فعالیت‌های هنری که از تلویزیون پخش می‌شوند بهتر درک خواهند شد و هر آموزنده قادر خواهد بود تا موقعیت خود را بهتر دریابد. لاجرم سطح آگاهی فردی از فرهنگ نیز افزایش خواهد یافت و از محیط فرهنگی و میراث هنری با توجه بیشتری مراقبت خواهد کرد. بازدید از ذخایر طبیعی نیز به نوبه خود موجب افزایش دانش و قدردانی عمیق‌تر از طبیعت و نتیجتاً حفظ آن می‌شود. علاوه بر اینها استفاده از ابزار آموزشی، مطالعه مجمل ما را تکمیل می‌کند.

«باید از گسترش و ایجاد موزه‌های ویژه فرهنگ و سنن ملی حمایت کرد. دانش‌آموزان برای

مقایسه فرهنگ‌های کهن و معاصر، باید به بازدید کردن از این موزه‌ها تشویق شوند. دولت‌ها باید موزه‌ها را در دسترس عموم مردم بگذارند، به نحوی که هیچکس به دلایل اقتصادی و اجتماعی از دیدار آنها محروم نشود. مجموعه‌های هنری باید به صورتی به معرض نمایش گذاشته شوند که درک آنها، ساده، آسان و دلپذیر باشد. برای حمایت از فرهنگ سنتی باید متخصصین مختلفی را از جمله «مجموعه‌داران»^(۳۹)، «بایگان‌ها»^(۴۰)، «سندشناسان»^(۴۱) تربیت کرد. برنامه‌های مدرسه و فوق برنامه‌ها ضمن احترام به فرهنگ‌ها و سنت‌های مختلف، باید تدریس آنها را ممکن کنند. حتی اگر این فرهنگ‌ها و سنت‌ها از فرهنگ و سنن خودشان متفاوت باشند [ژرژ تومه، ۱۹۹۰].

حفظ میراث فرهنگی و مرمت آنها

اگر همه ثروت‌های فرهنگی، و سنن و رسوم را به حساب آوریم، اندیشه میراث فرهنگی (اعم از مادی و معنوی) ظاهراً هیچ محدودیتی نخواهد داشت. ما می‌توانیم مناظر طبیعی هماهنگ و متنوع یک ناحیه نظیر پوشش گیاهی، صخره‌ها، رودخانه‌ها و آبشارها، ساحل‌ها و نظایر آن را که اغلب به دخالت انسان تغییر شکل و توسعه یافته‌اند، یا بناهای باشکوهی را که معرّف دوره‌های مختلف تاریخی و سبک‌های گوناگون هستند و پاروستاهای جالب توجه‌ای را که تاریخشان به قرون وسطی، رنسانس یا سایر دوره‌ها می‌رسد، جزء میراث فرهنگی به شمار آوریم. مراکز تاریخی در شهرها، ساختمان‌ها و خانه‌های سنگی متعدد، پرستشگاه‌های باستانی، کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، هرم‌های کوچک، فانوس‌های دریایی، کبوترخانه‌ها، رختشویخانه‌ها، نانوایی‌ها، عناصر معماری صنعتی همچون: سفالگری، کاشی‌سازی، شیشه‌گری و نخ‌ریسی و ... را نیز می‌توان جزء میراث فرهنگی به حساب آورد. آثار هنری، مجسمه‌ها و نقاشی‌ها، لباس‌های محلی و وسایل حمل و نقل را نیز می‌توان به فهرست فوق افزود. موارد دیگری نیز وجود دارد که نباید نادیده گرفته شود. از جمله میراث غیر مادی مرتبط با خاطرات، هنرها و سنن ملی، آداب و رسوم قومی و محلی، عادات نیکو، شیوه‌های پخت و پز و پوشاک، زبان‌های محلی، آرشوهای تاریخی، اداری و مذهبی و خلاصه هر چیزی که معمولاً آن را «تمدن در مقایسه با فرهنگ یا آفریده شده در برابر آفریننده می‌نامیم» [روگمونت، ۱۹۹۰]. نباید فراموش کنیم که به فهرست فوق، مواردی مثل ثروت‌های بی حساب، اموال منقول، میراث‌های خانوادگی، اثاثیه منزل و نقاشی‌ها، همچنین «کشتی‌های شکسته»^(۴۲) و ثروت‌های زیرآبی را نیز باید اضافه کنیم. گاه در بعضی از قسمت‌های دنیا، تاریخ مهاجرین در دفاتر آمار ادارات مذهبی و دولتی ثبت

نمی‌شود. تازه واردین هرچند که در کشور میزبان، ازدواج می‌کنند، صاحب فرزند می‌شوند، به شغلی اشتغال می‌ورزند، و مرگ و میر خود و فرزندانشان در آنجا رخ می‌دهد، ولی معمولاً به مذهب جامعه قبل از مهاجرت خود وفادار می‌مانند. در کشورهای اسلامی، دفاتر ثبت املاک یا مراکزی مشابه آن وجود دارد که اسناد خرید و فروش روزانه زمین در آنها به ثبت می‌رسد. دانشجویان محقق می‌توانند برای پی بردن به تاریخ مهاجرت و دنبال کردن تکامل اجتماعی یک جامعه خاص، از این دفاتر استفاده کنند.

میراث فرهنگی را می‌توان توسعه داد و غنی کرد. علی‌رغم تنوع و پیچیدگی که ممکن است در یک کشور وجود داشته باشد، میراث فرهنگی، «حافظه جمعی»^(۳۳) یک ملت است. آن چیزی که یک میراث را از سایر میراث‌ها متمایز می‌کند، زیبایی‌ها و ویژگی‌های خاص خود را دارد. در ابتدا همه چیز باید فهرست شود، سپس باید از آنها محافظت کرد و در زمان لازم آنها را مرمت و احیاء نمود.

تهیه فهرستی از عناصر میراث فرهنگی

در هر منطقه از کشوری خاص، اولین قدم ضروری برای حفظ میراث فرهنگی، تهیه فهرستی از میراث موجود است. به طوری که همه چیز را بتوان در این فهرست گنجانند و مورد توجه قرار داد. زمانی که همه ثروت باستانی و سیاحتی شناخته شوند، در آن صورت قسمتی از فهرست عمومی میراث هنری کشور به شمار خواهند رفت. هر چیزی که بتوان آن را به عنوان بخشی از میراث در نظر گرفت، باید از نقطه نظر تاریخی (اسناد تاریخی طبقه‌بندی شده، ساختمان‌های عمومی و خصوصی، اعم از اینکه از آنها محافظت شود یا خیر)، از دیدگاه باستان‌شناسی (املاک اربابی، قصرها، هتل‌ها، دژها، اقامتگاه‌های قدیمی)، و از نظر مردم‌شناختی (آسیاب‌ها، چشمه‌ها، چاپخانه‌ها، چرخ‌های نخ‌ریسی، کارخانه‌ها، رختشویخانه‌ها)، دقیقاً مورد مطالعه قرار گیرد. پل‌های قدیمی (که بعضی اوقات دارای کنیبه هستند)، جاده‌های قدیمی، راه‌های کوهستانی، مسیرهای مخصوص عبور افراد، نباید فراموش شوند. پس از تکمیل تمام قسمت‌های فهرست مورد نظر، باید نتایج را منتشر ساخت و از مردم خواست تا چیزی را که از قلم افتاده است، متذکر شوند. دانشجویان باید به عنوان موضوع پایان‌نامه‌های تحصیلی، عهده‌دار تحقیق در زمینه‌های فوق‌الذکر شوند.

زوال میراث

بناهای تاریخی و باستانی، ظریف هستند لذا به سادگی خراب می‌شوند. با گذشت زمان، شرایط جوی و دخالت‌های عمدی یا غیرعمدی بشر، میراث فرهنگی را به تدریج از بین می‌برند. اختلاف آب و هوا، آفتاب، یخبندان، باران، اختلاف درجه حرارت در ساعات شبانه‌روز و در فصول مختلف سال بویژه زمستان و تابستان به ساختمان‌های چوبی و سنگی آسیب می‌رساند. سایر عوامل بوم‌شناختی از قبیل بادهای شن‌آور (مثلاً فرسایش مجسمه ابوالهول)، یا نمک دریا، آب و رطوبت (مثلاً در شهر ونیز) نیز به ساختمان‌های فوق‌الذکر صدمه می‌زند. ساختمان‌های زیادی وجود دارند که زیر گل ولای سیلاب‌ها مدفون و برای همیشه نابود شده‌اند. تقریباً در تمام جهان، تأثیر رطوبت بر نقاشی‌ها، پرده‌های نقش‌دار، مجسمه‌ها، میزهای تحریر تاریخی که دارای کتیبه هستند و ... مشاهده شده است. نور و دی‌اکسیدکربن نیز بر رنگ نقاشی‌های دیواری و سایر تصاویر، تأثیر می‌گذارند. به همین دلیل بازدید جهانگردان از غارهای ماقبل تاریخ در «لاسکوی»^(۴۴) فرانسه متوقف شده است تا به این ترتیب نقاشی‌های دیواری آنجا حفظ شود.

متأسفانه، بشر به واسطه جهل و غفلت و گاه به دلیل حرص و طمع، زیان‌بارترین آسیب‌ها را به محیط زیست وارد می‌کند. اگر آدمی اهمیت میراث تاریخی و معماری خود را درک نکند و از آن غفلت ورزد، از نابودی آن هم متأسف نمی‌شود. بعضی اوقات برای محافظت از این میراث، هیچ دستورالعمل صریح، کامل و قانونی وجود ندارد. برخی از سازمان‌های اجتماعی (نظیر شهرداری‌ها، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مرکزی)، اعتبار لازم برای حفظ و مرمت میراث فرهنگی را تأمین نمی‌کنند و یا در صورت تأمین اعتبار، میزان آن در حدی است که فقط انجام تعمیرات جزئی را ممکن می‌سازد. گاهی اوقات شاهد تخریب عمدی میراث فرهنگی هستیم. این کار برای احتراز از هزینه تعمیر و نگهداری ساختمان‌های قدیمی انجام می‌شود. اما بدتر از این کار، فروش مصالح به کار رفته در این ساختمان‌هاست. نظیر (کاشی‌ها، سنگ‌های به کار رفته در ساختمان‌ها)^(۴۵)، «آهن‌های سفت و سخت»^(۴۶)، درب‌ها و پنجره‌ها و ...، بعضی اوقات این ابنیه تاریخی، از طریق ساختمان‌سازی‌های دیگر یا به دلیل نصب نامناسب تیرهای برق یا تلفن (که بی‌مبالغه فاقد زیبایی هستند)، از شکل و قواره می‌افتند. به این ترتیب، شهرسازی و صنعتی شدن، تأثیر شدیدی در تخریب مکان‌های فرهنگی و طبیعی داشته است و تهدید این مکان‌ها از جانب آنها، به طور فزاینده‌ای احساس می‌شود. متأسفانه، سرقت، تخریب و دشمنی

با آثار هنری و معماری، اخبار معمول روزنامه‌ها هستند. در نظر عامه مردم، فروش غیر قانونی اشیاء باستانی گرانبها، کار پیش پا افتاده‌ای است. برای پایان دادن به تمام فعالیت‌هایی که به محیط زیست ما آسیب می‌رسانند، باید دولت‌ها، وسایل ارتباط جمعی و مدارس به تبلیغات و اقدامات بین‌المللی متوسل شوند.

اثرات زیان‌بار اشکال متفاوت آلودگی را بر مکان‌های فرهنگی می‌توان با مثال‌های متعدد حزن‌انگیزی نشان داد. جالب‌ترین این مثال‌ها را نقل می‌کنیم: شهر تاریخی ونیز بتدریج قربانی آلودگی دریایی و سیل خروشان جهانگردی می‌شود. ابنیه تاریخی شهرهای بزرگی مثل لندن و پاریس، اغلب به عنوان نمونه‌هایی از آلودگی جوی ذکر می‌شوند که پوشیده از موجودات ریزدره‌بینی هستند. نمونه دیگر، درختان سدر ۱۰۰۰ ساله لبنان است که دودناشی از تردد سنگین کامیون‌ها از کنار آنها، بقای آنها را تهدید می‌کند.

جنگ‌ها و عملیات جنگی، موزه‌ها، مکان‌های باستان‌شناسی و مناظر طبیعی را نابود کرده و می‌کنند. مثلاً جنگ لبنان (۱۹۹۰-۱۹۷۵)، موجب از بین رفتن محیط طبیعی و به جا گذاشتن جنگل‌های سوخته، دره‌ها و خلیج‌های مملو از زباله و آشغال، و نابودی دامنه تپه‌هایی شد که به علت استخراج مداوم شن برای پرکردن کیسه‌های شنی جهت محافظت از درب‌های ورودی ساختمان‌ها در مقابل مواد انفجاری، همگی از بین رفتند. همچنین بسیاری از باغ‌های میوه و زیتون، به دلیل عملیات نظامی و استفاده بی‌رویه از سنگ و خاک آنها برای ایجاد سنگرهای موقتی، بدون مراقبت ماندند و نابود شدند. علاوه بر این جنگ لبنان، اثرات سوئی بر میراث ملی و فرهنگی (از قبیل نابودی موزه‌های ملی و ابنیه تاریخی، غارت مکان‌های باستانی، فروش غیر قانونی گنجینه‌های هنری)، محیط انسانی و آموزشی (تخریب مدارس، دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها، اماکن مذهبی، کارگاه‌های نقاشی و غیره)، آموزش و پرورش (مهاجرت افراد متخصص و تکنسین‌های کاملاً ذی‌صلاح)، و مهمتر از همه بر محیط اجتماعی (از هم پاشیده شدن خانواده‌ها، مهاجرت‌ها و جابجایی جمعیت، شیوع بیماری‌ها و ...) داشته است. در این مثال، می‌توان به خوبی ارتباط نزدیک میان توسعه فرهنگی و محیط زیست را ملاحظه کرد و دریافت که چگونه آسیب وارده به یکی، بر دیگری نیز اثر می‌گذارد.

تقویت آثار و مکان‌های تاریخی

در راستای توجه کامل به ویژگی‌های خاص مکان تاریخی، از گروه‌های داوطلب دعوت

می شود که در کار مرمت و افزایش ساختمان‌ها و ابنیه تاریخی، با ادارات دولتی همکاری کنند. این همکاری آشکال مختلفی دارد؛ از جمله ساختن جاده‌های محلی، ترتیب دادن نمایشگاه‌هایی که از وسایل صوتی و نوری استفاده می‌کنند، یا اجرای تئاتر و موسیقی در ساختمان‌ها و ابنیه تاریخی. داوطلبین جوانی که در کار مرمت آثار تاریخی شرکت می‌جویند باید در کنار متخصصین کار کنند. بدین ترتیب دو هدف حاصل می‌شود: یکی هدف اجتماعی از طریق شرکت فرد در کار گروهی، و دیگری هدف فرهنگی به واسطه آموزش تکنیک و دانش عملی به داوطلبین جوان از طریق متخصصین (معلمان، مورخین، معماران). این آموزش را می‌توان با گسترش فعالیت‌هایی نظیر نقاشی، مجسمه‌سازی، موسیقی، رقص، تئاتر و ... تکمیل کرد.

- مرمت آثار تاریخی معمولاً شامل تعویض سنگ‌ها، ستون‌ها، درب‌ها و پنجره‌ها، مرمت و رنگ‌آمیزی مجدد نقاشی‌ها، تصاویر دیواری و تمیز کردن دیوارها، پیاده‌روها، خیابان‌ها و ساختمان‌های اطراف است.

- برای دسترسی به اماکن باستانی و صرفه‌جویی در وقت کسانی که در این مکان‌ها کار می‌کنند یا در حال بازدید از آنها هستند، باید اقدامات لازم در جهت احداث جاده‌ها و پارک‌ها، انجام احتیاط‌های لازم در جهت اطمینان از پر نشدن حفاری‌های زیر این مکان‌ها و مراعات مناظر طبیعی صورت گیرد.

- تهیه و ارائه نمایش‌های صوتی - تصویری از طریق معرفی واقعات تاریخی مرتبط با اثر هنری، به کمک پخش نور و موسیقی، به نحوی که تداعی‌کننده عصری باشد که اثر مورد نظر در آن دوران خلق شده است.

شورگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

احیاء تمدن‌های گذشته

میراث فرهنگی شامل تمدن‌های باستانی و ویژگی‌های خاص آنها از قبیل عادات محلی، آداب مربوط به خوراک و پوشاک، هنر آشپزی، سبک‌های معماری، زبان‌های محلی و ارزش‌های اخلاقی و معنوی است. هر منطقه و کشوری باید پدیده‌های اجتماعی خاص خود را که در آنها رسوم گذشته، آوازه‌ها و غذاهای مخصوص احیاء می‌شود، تشویق کند. در صورت وجود شرایط لازم برای تکلم کردن به زبانی خاص - بدون به وجود آمدن مسائل حساس سیاسی یا برانگیخته شدن دعوای دیرینه محلی - لازم است آوازه‌های محلی قدیمی آن زبان احیاء شود. جشنواره‌های فرهنگ قومی محلی، فرصت‌های مناسبی برای به معرض نمایش گذاشتن

دستورهای خوراکی پزی مادر بزرگ‌ها، لباس‌های سنتی، عادات نیکوی اجتماعی، افسانه‌های عامیانه و رسوم و ارزش‌های اخلاقی هستند که با رویدادهای بزرگ در حیات یک کشور یا استان توأم شده‌اند (نظیر عروسی، برداشت محصول، انگورچینی و ...). در نتیجه مهاجرت شدید به شهرها، روستاها از سکنه خالی و اراضی کشاورزی تبدیل به اراضی بایر شده‌اند. بدین‌سان زندگی روستایی را می‌توان به آتش زیر خاکستری تشبیه کرد که به علت فقدان اکسیژن، رو به خاموشی می‌رود. در چندین کشور، رسوم ملی کنار گذاشته شده‌اند، افسانه‌ها در حال از بین رفتن هستند و خانواده‌هایی که قبلاً به طور محکم به هم پیوسته بودند، اکنون بتدریج از هم می‌گسلند. در این میان، شرکت‌ها و سازمان‌های غیر دولتی علاقه‌مند به حفظ میراث فرهنگی، تلاش می‌کنند با ایجاد جشنواره‌هایی که در آنها مراحل مختلف زندگی روستایی توصیف و در قالب آواها بیان می‌شود، سنن باستانی را بهتر بشناسانند و نمایشنامه‌های تئاتری، تصنیف‌های موسیقی و رقص‌های سنتی گذشته را احیاء کنند و احساس دلتنگی برای روزهای خوب گذشته را برانگیزانند.

گسترش اقدامات و نگرش‌های مثبت فرهنگی

از طریق آموزش و تعمیم روش‌های ارتباطی، بعضی از ایستارهای مربوط به توسعه فرهنگی تقویت خواهد شد. این امر به نوبه خود کمک خواهد کرد تا از محیط زیست بهتر محافظت شود. در صورت بر خورداری از پیشرفت قابل توجه تکنولوژی‌های صنعتی جدید که تولیدکننده محصولات فرهنگی هستند، هیچ چیز نخواهد توانست مانع گسترش آثار ادبی، تئاتر و موسیقی و سایر زمینه‌های خلاقیت هنری شود. رادیو، تلویزیون، ویدئو، فیلم‌های مستند، نوارهای کاست، صفحات گرامافون و برنامه‌های سمعی - بصری، دسترسی به فرهنگ را آسان‌تر می‌سازند. به این ترتیب، فرهنگ دیگر به یک گروه برگزیده ممتاز اختصاص ندارد و به بعضی از مناطق ثروتمند جهان محدود نمی‌شود. علاوه بر سهولت ارتباطات، امروزه مبادلات هنری، مبارزه متنوع است. فرصت‌های عامه مردم برای دیدار از موزه‌ها و نمایشگاه‌ها و برای شرکت در انواع رویدادهای فرهنگی افزایش یافته است؛ به محض اینکه تمایل شخصی افراد برای پذیرش چیزهای زیبا برانگیخته می‌شود، جامعه باید با توجه به نقش خاصی که افراد می‌توانند ایفا کنند، درصد شناسایی اقدامات و نگرش‌های مثبت فرهنگی باشد. این قسمت را با مثالی که نشان‌دهنده چگونگی کمک هنر به توسعه فرهنگی و حفظ محیط زیست است به پایان می‌بریم.

تقویت و تثبیت سلیقه‌های شخصی برای چیزهای زیبا

به محض برانگیخته شدن سلیقه شخصی افراد برای پذیرش چیزهای زیبا، مردم به کل میراث فرهنگی بیشتر احترام می‌گذارند و در جهت محافظت از آن و ایجاد امکان دسترسی به آنها برای تعداد بیشتری از مردم، تشویق به فعالیت می‌شوند. چنین هشیاری‌ای در محیط مستقیم هر موجود بشری به وجود می‌آید. آدمی از اوان کودکی در منزل و در میان خانواده خود، احترام به طبیعت و عشق به هنر را می‌آموزد و از همین زمان، رشد شخصیت وی شروع می‌شود. بدین ترتیب سهم او در پذیرش مسؤلیت، روز به روز افزایش می‌یابد. انتقال از خانه به مدرسه باید به آرامی صورت گیرد و معلمین و والدین باید تلاش کنند تا مواضع متناقضی اتخاذ نکنند. اولین فعالیت‌های مدرسه عبارتند از طراحی، رنگ‌آمیزی، بدل‌سازی، سرو و خوانی، گوش دادن و صحبت کردن که همه این امور، کودک را در مسیر صحیح عشق به زیبایی و تحسین محیط هنری، فرهنگی و طبیعی قرار می‌دهند. در دوره جوانی، این روندها تثبیت می‌شود و آگاهی از میراث فرهنگی، ریشه محکم‌تری می‌یابد. رابطه بین محیط زیست و فرهنگ در تعریفی که آندره زیگفريد از فرهنگ ارائه کرده است، نزدیک‌تر می‌شود: «فرهنگ عبارتست از درک شخص از توانایی خود برای تفکر در مورد مسائل مختلف و همچنین ادراک او در مورد ارتباط خود با سایر افراد و محیط طبیعی».

تحقیق برای شناسایی اقدامات و ایستارها

در همه جوامع برای شناسایی ایستارهای مثبت و اقدامات فرهنگی سودمند در جهت حفظ محیط زیست، باید تحقیقاتی صورت گیرد. بدین ترتیب با آموزش شهروندان از طریق رسانه‌های همگانی می‌توان «فرهنگ صحیح محیطی»^(۲۷) را ایجاد کرد. مثلاً اگر برنامه‌های تلویزیونی را در زمینه حیات جانوری، بوم‌شناسی، تولید مثل و نژادشناسی در نظر بگیریم، ملاحظه می‌کنیم بیندگانی که این برنامه‌ها را دوست دارند، آنها را دنبال می‌کنند و به این ترتیب در مورد این حیوانات و محافظت از آنها مطالب بیشتری فوا می‌گیرند. این برنامه‌ها همچنین موجب می‌شوند شکار حیوانات برای کسب سود، مورد تجدید نظر قرار گیرد. ایستارهایی که بینندگان بتدریج اتخاذ می‌کنند، حداقل به نفع شکارچینی که به اخلاق شکار احترام نمی‌گذارند - بخصوص شکارچیان بدون مجوز - نخواهد بود. همین مسأله در مورد برنامه‌هایی که زیبایی دنیای گیاهان را نشان می‌دهند نیز وجود دارد. ایستار عموم مردم - که بیشترین بینندگان چنین

برنامه‌هایی هستند - به صورت برخوردی علیه جمع‌آوری کنندگان غیر قانونی گیاهان و گل‌های کمیاب، متجلی خواهد شد. این مسأله در مورد جمع‌آوری کنندگان پروانه، صدف و حشرات - که نشانه‌های شگفتی حیات جانوری هستند - نیز مصداق خواهد داشت. قطع درختان بدون کنترل و برنامه‌ریزی و بدون تلاش برای غرس نهالی جدید به جای آنها، آسیبی به محیط زیست به شمار خواهد رفت. در حالی که به جای این عمل می‌توان فعالیت‌هایی را تشویق کرد که موجب بسیج مردم در جهت اختصاص دادن یک روز ملی به درخت و درخت‌کاری، و تعدیل کردن میزان استفاده از چوب و ذغال چوب برای مقاصد سوختی می‌شود. این اقدام، جنگل‌ها را نیز افزایش می‌دهد.

پروفسور مونیس رازا (۱۹۸۸) ضمن بحث در مورد انسان و طبیعت در جوامع قبیله‌ای هندوستان، برخی از اقدامات فرهنگی مفید به حال محیط زیست را ذکر می‌کند:

«نیایش‌ها، اعتقادات اساطیر مربوط به گیاهان، زندگی حیوانات، صخره‌ها، رودخانه‌ها، باران، خورشید و ماه، بینشی را در مورد ماهیت ارگانیکی رابطه فرهنگ قبیله‌ای با محیط زیست به وجود می‌آورند ... مثلاً برخی از انواع حیوانات و پرندگان شکاری در فصل یا ناحیه مشخصی شکار شوند».

بنابراین در هر کشوری باید نگرش‌های محلی مربوط به محیط زیست، مورد شناسایی قرار گیرد و برای حفظ آن تمامی گروه‌های جامعه مخصوصاً زنان بسیج شوند.

بسیج زنان

زنان به عنوان مادر، معلم، خانه‌دار و همکار مردان در مزارع، کارگاه‌ها و ادارات، نقش مهمی را در توسعه فرهنگی و حفظ محیط زیست ایفا می‌کنند. باید سیاست جمعیتی مشخصی اتخاذ شود و براساس آن زنان نسبت به مسؤلیت خود در این زمینه آگاه شوند. کودک عشق به طبیعت و چگونگی محافظت از محیط را از مادر خود می‌آموزد. مثلاً یک زن خانه‌دار خوب که از مسائل محیط زیست آگاه باشد، عادت می‌کند که اشغال‌های منزل را به دو دسته قابل بازیافت و غیر قابل بازیافت تقسیم نماید و رعایت تمیزی در داخل و اطراف منزل را به عنوان یک وظیفه مقدس تلقی کند.

مثلاً در آفریقا اجرای برخی از برنامه‌ها مستلزم توسعه آموزش زنان و حفظ محیط زیست است. در اینجا برنامه‌هایی را که مربوط به پروژه‌های درختکاری و جنگل‌کاری است نقل می‌کنیم:

«... انتخاب و پخش کود برای بیشه‌ها، جلوگیری از فرسایش خاک در مناطق کوهستانی، ایجاد مراکز انتخاب بذر در هر منطقه طبیعی (با رعایت اختلافات محیطی)، افزایش درآمد زنان از طریق گسترش تنوع اراضی کشاورزی و محصولات آنها».

نقش هنر در توسعه فرهنگی و حفظ محیط زیست

در یکی از نشریات یونسکو^(۴۸) (ژوئیه ۱۹۹۱)، مقاله‌ای به چاپ رسید که نشان می‌داد هنر تئاتر چگونه به توسعه فرهنگی و حفظ محیط اجتماعی و سلامت عمومی کمک می‌کند. در این مقاله، تحت عنوان «نمایشنامه‌های اخلاقی تایلند دارای تأثیری هیجانی هستند» چنین می‌خوانیم:

«زمانی که پروفیسور ماتانی روتنین از دانشگاه تاماست در بانکوک برای اولین بار دانشجویان متوسط رشته نمایش را برای انجام نمایشنامه‌های اخلاقی خود به حومه شهر برد، آنها از آنچه که دیدند سخت تکان خوردند».

دانشجویان هرگز شاهد چنین فقر و فلاکتی نبودند. روتنین ضمن دیدار اخیرش از پاریس گفت که دانشجویان پس از دیدن این صحنه‌ها گفتند: «چرا شما آن را به ما نشان دادید؟ با آن چه کنیم؟»

روتنین می‌دانست با آن چه کند؛ نمایشنامه‌هایی کوتاه در مورد موضوعاتی از قبیل ایدز و خودفروشی بچه‌ها نوشت و آنها را در جاده‌های روستایی تایلند اجرا کرد.

پروژه آزمایشی وی که از طرف صندوق بین‌المللی یونسکو برای ترویج فرهنگ حمایت می‌شد، همچنین از دفتر نخست‌وزیر تایلند، وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت و سایر وزارتخانه‌ها و نیز شورای ملی زنان تایلند و انجمن ملی زنان مسیحی تایلند، کمک دریافت کرد.

«هنری‌های نمایشی»^(۴۹) سنتی تایلند، زنان را به صورت قربانیان جامعه‌ای که در آن مردسالاری حاکم است به تصویر می‌کشند. اما روتنین تلاش کرده است نمایشنامه‌هایش را از زاویه متفاوتی بنویسد؛ دو گروه مورد مطالعه او یعنی زنان روستایی یا «پنبه» و زنان ثروتمند شهری یا «آبریشم» قدرت کنترل زندگی خود را در دست دارند.

او کارش را با نمایشنامه‌های اخلاقی اروپای قرون وسطی و با داستان‌هایی مثل «شاه‌آرتور»^(۵۰) و «شوالیه‌های میزگرد»^(۵۱) مقایسه می‌کند. روتنین در ارتباط با انواع هنرهای سنتی غنی تایلند [لاخون]^(۵۲) (رقص - درام)، لیکي^(۵۳) (رقص محلی - درام)، نانگ تالونگ^(۵۴)

(خیمه‌شب‌بازی سایه‌ای جنوبی) و هان کرابوک^(۵۵) (خیمه‌شب‌بازی محلی با چوب خیزران))، خطاب به دانشجویان خود می‌گوید: در روستاها هنوز تئاتر و مخصوصاً تئاتر توأم با موسیقی و رقص خیلی زنده است و من احساس می‌کنم که از طریق وسائل ارتباط جمعی محلی می‌توانیم به همه مردم پیام بدهیم تا از در کنار یکدیگر بودن لذت ببرند. تماشای نمایشنامه‌ها رایگان است و در فضای باز و در حالی که مردم دور تا دور صحنه نمایش نشسته‌اند اجرا می‌شود و مدت اجرا از پانزده دقیقه تا یک ساعت است.

داستان نوی^{۵۶} نام نمایشنامه‌ای است که روتین از سال ۱۹۸۶ به فکر نوشتن آن بوده است. یعنی زمانی که فیلم مستندی را در مورد فساد بچه‌های تایلند به نام «آیا فردا رنگین‌کمانی وجود نخواهد داشت؟» می‌ساخت. به فکر نوشتن آن بوده است.

او می‌گوید که احساس می‌کرد باید این فیلم پانزده دقیقه‌ای را می‌ساخت؛ فیلمی که بینندگان را در سراسر اروپا ترساند و این در حالی بود که آتش‌سوزی فاحشه‌خانه‌ای در تایلند چند بچه منحرف را به کشتن داده بود. این بچه‌ها در تخت‌خواب‌هایشان به زنجیر کشیده شده بودند.

نوی دختر جوانی است که نمایشنامه را از وسط صحنه نمایش شرح می‌دهد، در حالی که جریان نمایش در اطراف او رخ می‌دهد. مادرش برای به دست آوردن پول کافی جهت خرید یک گاو میش، او را به یک زمیندار می‌فروشد. او سپس به ترتیب به یک دلال فاحشه‌خانه و سپس به یک صاحب فاحشه‌خانه فروخته می‌شود. در خاتمه نمایش، گروهی از بچه‌های منحرف، هم‌نوا با نوی این ملودی را می‌خوانند: «ما انسانیم نه گاو میش».

روتین گفت: بعد از نمایش شکاف فرهنگی موجود بین جامعه شهری و جامعه روستایی تایلند، برخی از حضار شهری که داستان نوی را دیده بودند، ترسیدند که مبادا روستاییان از این داستان ناخشنود شوند. برعکس، حضار روستایی به شدت مجذوب نمایش شدند و حتی بسیاری از والدین از بازیگران سیار^(۵۷) خواستند که خشنوت نمایش را زیاد کنند تا دختران جوانشان را از فرار به بانکوک بترسانند و مانع فروش دختران توسط والدین شوند. گزارشی در مورد پروژه روتین، برای یونسکو تهیه شده است که در بردارنده تحلیلی از مسائل اقتصادی - اجتماعی و سیاسی است که زنان تایلندی با آنها مواجه هستند:

دیدش تیراج ایسر^(۵۸) - مدیر صندوق بین‌المللی یونسکو برای ترویج فرهنگ - در مصاحبه‌ای اظهار داشت که پروژه روتین در بسیاری از سطوح برای او جالب توجه بوده است. وی اضافه کرد در این پروژه، شخصی که به وضوح جزو نخبگان اجتماعی و فکری کشورش بود

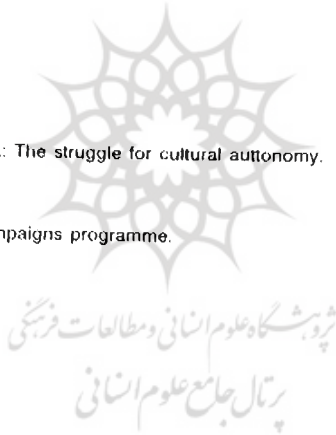
و با دانشجویان ممتاز شهری کار می‌کرد، پروژه‌های را اجرا کرد که هدف آن کمک به زنان روستایی بود. همچنین کاری که او قصد داشت انجام دهد، تحقیقی کاربردی بود نه تحقیق نظری. وی می‌خواست از این تحقیق نتایجی به دست آورد و از این دستاوردها برای ارائه توصیه‌هایی جهت بهتر کردن امور و کارها استفاده کند. در این پروژه، هنر با کیفیت زندگی مواجه شده است. یعنی همان چیزی که به تلافی فرهنگ و توسعه معروف است. او در ادامه می‌گوید: حمایت اولیه یونسکو از پروژه سبب تضمین همکاری‌های بیشتر مقامات دولتی تایلند از طرح مورد نظر شد. در مجموع می‌توان گفت که توسعه فرهنگی اغلب به توسعه اقتصادی منجر شده و محیط در تمامی اشکال خود هزینه‌گرافی برای ترقی و پیشرفت پرداخته است. اینک در نتیجه تقویت دموکراسی، توسعه دارای بُعد فرهنگی شده است و آموزش و فرهنگ، دیگر در انحصار یک طبقه برگزیده نیست. تمامی مردم روی زمین با تعصب از هویت فرهنگی خود محافظت می‌کنند و نیاز به ترویج آموزش هنری، خلاقیت و صنایع دستی را دریافته‌اند.

توسعه فرهنگی مستلزم برقراری رابطه با فرهنگ دیگر ملل است. در نتیجه لازم است تا در میان معلمان، دانش‌آموزان و تصمیم‌گیرندگان در تمامی سطوح و همچنین بین انجمن‌های جوانان و بزرگسالان، مبادلات فرهنگی ملی و بین‌المللی نیز گنجانده شود. در واقع وقتی که انسان‌ها و جوامع به تحسین و قدردانی از زیبایی مناظر طبیعی، حیات‌نباتی و حیوانی، اماکن باستانی، خانه‌های قدیمی، نقاشی‌ها و مجسمه‌سازی‌ها، موسیقی، فرهنگ و ادبیات عامیانه و نظایر آن بپردازند، در آن صورت به ناچار طرفدار شدید محافظت از آنها نیز خواهند شد. پیدایش این روحیه، به طور طبیعی نتیجه پیوند نزدیک بین زیبایی، فرهنگ، محیط زیست، هنر، طبیعت و میراث به جا مانده از گذشتگان است. حتی می‌توان این روحیه را با حفظ نگرش‌های قدیمی و فعالیت‌های حرفه‌ای کهن (که یادآور پیوندهای بین زمین، سلامتی، کار، خانه و جامعه هستند) تقویت کرد.

پی نوشت

1. Vehicles of cultur.
2. Craft work.
3. Cultural identity.
4. World conferece on Education for All.
5. Audio - Visual methods.

6. Distance education.
7. Freedom of expression.
8. Word organization of the scout Movement.
9. League of red Cross and Red Crescent societies.
10. international youth Federation for Environmental studies and conservation.
11. Aid to Artisans (ATA).
12. Heavy metals.
13. Environmental degradation.
14. European Economic Community (EEC).
15. Music shows.
16. Immediate environment.
17. Inter - disciplinary.
18. self-expression.
19. self-Fulfilment.
20. Open-air theatre.
21. budding-artists.
22. Houses of culture in Denmark: The struggle for cultural autonomy.
23. Educational awakening.
24. International safeguarding campaigns programme.
25. Health traditions.
26. Attitudes.
27. Partner.
28. Elected representatives.
29. Cultural tourism.
30. Linguistic.
31. Lifelong reading habits.
32. Pedagogical methods.
33. Intercultural approach.
34. Natural reserves.
35. Points of Special interest.
36. Crafts.
37. Musical shows.
38. Historic surroundings.



39. Collectors.
40. Archivists.
41. Documentalists.
42. Ship wrecks.
43. Collective memory.
44. Lascaux.
45. Stone work.
46. Paving stones.
47. True environmental Culture.
48. UNESCO Presse.
49. Parforming arts.
50. The king Arthur.
51. Knights of the Round Table.
52. Lakhon.
53. Likay.
54. nange talung.
55. Hun krabok.
56. The story of Noi.
57. Visiting Players.
58. Yudhrishthir Raj Isar.



شعبه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شؤون شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی